



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۱۱

شنبه ۲۲ دی ۱۴۰۳، ۱۱ ژانویه ۲۰۲۴

ایلان ماسک و کاریکاتور "آزادی بیان نامحدود"

مصاحبه با حمید تقوایی

صفحه ۲

شارلی ابدو سر حال است، حال پیامبر تعریفی ندارد!

به مناسبت دهمین سالگرد ترور اسلامی کارکنان هفته نامه شارلی ابدو

محسن ابراهیمی

صفحه ۳

کمیته سازمانده حزب چه می کند؟

سؤالی از شهلا دانشفر مسئول کمیته سازمانده

صفحه ۵

در مورد تأمین مالی حزب کمونیست کارگری

گفت و گو با اصغر کریمی

صفحه ۶

انتخاب جوزف عون، شکست جمهوری اسلامی و حزب الله

نسان نودینیان

صفحه ۸

ترامپ و جمهوری اسلامی، روندها و احتمالات!

محمد شکوهی

صفحه ۹

اطلاعیهای هفته اخیر

صفحه ۱۱

ایلان ماسک و کاریکاتور "آزادی بیان نامحدود"

مصاحبه با حمید تقوایی



انترناسیونال: در سال‌های اخیر و با عروج

ترامپیسیم در آمریکا شاهد ادعاهای جدیدی از سوی این جریان و شخصیت‌هایی مانند ایلان ماسک در مورد "آزادی بیان نامحدود" هستیم در مقابل آنچه به ادعای ترامپیست‌ها حزب دموکرات تحت عنوان "آزادی بیان کنترل شده" از آن نام می‌برد. یک وجه مشخص "آزادی بیان نامحدود" مورد ادعای ترامپیست‌ها، آنتی ووکیسم است. آنها معتقدند ووکیسم (آگاهی و حساسیت نسبت به مسائل اجتماعی، نابرابری‌ها، بی‌عدالتی‌های تاریخی و موضوعات مرتبط با تبعیض، مانند نژادپرستی، جنسیت‌گرایی، و تبعیض طبقاتی) فضای دیالوگ را تنگ می‌کند و با زدن برجسب‌هایی مانند نژادپرست، جنسیت‌گرا و هموفوبیا، مانع از ابراز نظر مخالفین می‌شود. نظر شما در مورد این ادعاها چیست؟

حمید تقوایی: این دفاع از "آزادی نامحدود"، مثل سایر ادعاهای ترامپیست‌ها یک نوع فرافکنی، و به اصطلاح عامیانه، نعل وارونه است. درست مانند دروغ‌های شاخ‌دار ترامپ و "فاکت‌های" آشکارا جعلی‌اش در پوشش مخالفت با اخبار جعلی (Fake News)!

منظور جناب ایلان ماسک از آزادی‌های نامحدود این است که مواضع آشکارا راسیستی ترامپیست‌ها را راسیسم ننماید چون ما را محدود می‌کند! منظور این است که اگر ترامپ مهاجرین را تنبل و جانی و ریپیست و غیره می‌نامد و یا از نیروهای نوع کوکوس کلان و برتری‌طلبی نژاد سفید علناً حمایت می‌کند، از "آزادی‌های نامحدود" استفاده می‌کند ولی شما اگر این مواضع را آنچه واقعاً هستند یعنی راسیستی و فاشیستی بنامید فضای دیالوگ را تنگ کرده‌اید! این دفاع از آزادی نیست، منحصر کردن آزادی به هم‌فکران خود است. مسئله هم فقط به دفاع از هم‌فکران محدود نمی‌شود. اساس موضوع دفاع از منافع مولتی‌میلیاردرهایی هم‌سنخ ایلان ماسک است. یک‌درصدی‌های میلیاردی که حفظ سلطه اقتصادی و سودهای نجومی‌شان، و حفظ سلطه سیاسی و اقتصادی‌شان بر جامعه، در گرو نابرابری‌های نژادی و جنسیتی و طبقاتی است. آنتی ووکیسم ترامپیست‌ها نه در عشقشان به "آزادی‌های نامحدود"، بلکه در حفظ "ثروت‌اندوزی نامحدود" هم‌طبقه‌های‌شان ریشه دارد.

ما مدافع آزادی بی‌قیدوشرط بیان هستیم. آزادی بیان هم مدافعین وضع موجود - که همه دولت‌ها و احزاب حکومتی از این نوع هستند - و هم بخصوص مخالفین وضع موجود. طرفداران نظم موجود همه‌جا، حتی در دیکتاتوری‌هایی نظیر جمهوری اسلامی، هیچگاه مشکلی نداشته‌اند. همیشه آزاد بوده‌اند هر چه می‌خواهند بگویند. اما آنچه همیشه نفی و سرکوب، و در بهترین حالت با هزار قیدوبند مشروط و محدود شده، نقد تبعیضات و نابرابری‌های طبقاتی و راسیستی و ناسیونالیست و مذهبی و قومی و جنسیتی بوده است. یعنی اعتراض به سلطه یک‌درصدی‌های سرمایه‌دار حاکم و ملزومات حفظ این سلطه. ترامپ و ایلان ماسک چهره‌ها و نمادهای سیاسی و اقتصادی چنین سلطه‌ای هستند.

انترناسیونال: چندی پیش شاهد ادرار کردن هواداران سلطنت بر مزار غلام‌حسین ساعدی بودیم. این موضوع بحث ما نیست اما یکی از ادعاهای این جماعت توسل به مقوله آزادی بیان است، با این توجیه که این عمل استفاده از آزادی بیان شخصی است و هر کس مجاز است مشابه آن را انجام دهد. باتوجه به دفاع شما از آزادی بی‌قیدوشرط بیان و

ابراز عقیده، نظرتان در مورد این ادعا چیست؟ در جمهوری سوسیالیستی مورد قبول شما چنین اعمالی چگونه تعریف می‌شوند و چه برخوردی با موارد مشابه خواهد شد؟

حمید تقوایی: دفاع ما از آزادی بی‌قیدوشرط بیان و ابراز عقیده به معنی حمایت ما از همه عقاید نیست. هر کس آزاد است عقیده‌اش را بیان کند و هر کس آزاد است هر عقیده‌ای را نقد کند. عمل شنیع طرفداران سلطنت بر مزار غلام‌حسین ساعدی با اعتراض وسیع مردم و سازمان‌های مترقی و آزادی‌خواه در بیانیه‌ها و رسانه‌ها و در مدیای اجتماعی، و با گل‌باران مزار او پاسخ گرفت. این نمونه‌ای از آزادی بیان و تقابل نظرات مخالف در جامعه است. آزادی بیان یعنی نه دولت و نه هیچ قانون و مرجع حکومتی حق ندارد تحت هیچ بهانه‌ای آزادی‌ها را محدود و مشروط کند. اما مردم و نهادهای اجتماعی مثل رسانه‌ها حق دارند مخالفت خود را با هر نظر و عقیده‌ای آزادانه ابراز کنند. هم ابراز عقاید در دفاع از تعصبات و تابوهای نژادی و مذهبی و راسیستی و ناسیونالیستی و جنسیتی و نظایر آن آزاد است و هم نقد آنها.

تاریخاً از دوره رنسانس تا امروز، رکن و محور مبارزه برای آزادی بیان مبارزه برای آزادی نقد مذهب بوده است. امروز نه‌تنها در نظام قرون‌وسطایی نظیر جمهوری اسلامی نقد و مخالفت با مذهب وحشیانه سرکوب می‌شود، بلکه حتی در پیشرفته‌ترین کشورهای غرب نقد مذهب با هزار محدودیت و قیدوشرط مواجه است. در ردیف بعدی نقد ناسیونالیسم و تعصبات و مقدسات ملی - میهنی قرار دارد. طرفداران سلطنت حتی در اپوزیسیون نشان داده‌اند که چه دشمنی هیستریکی با منتقدین تابوهای ملی - میهنی دارند. دفاع از آزادی بیان یعنی به‌ویژه دفاع از آزادی نقد مقدسات ملی - مذهبی.

در جمهوری سوسیالیستی موردنظر ما نه‌تنها نقد مذهب بلکه نقد همه تعصبات و تابوهای ناسیونالیستی و نژادی و جنسیتی کاملاً آزاد است. دفاع ما از آزادی، سلبی نیست بلکه اثباتی است. ما آزادی کسی را محدود نمی‌کنیم. مذهبیون و ناسیونالیست‌ها و راسیست‌ها و مدافعین تابوهای قومی جنسیتی، مانند همیشه، آزادند عقایدشان را بیان کنند. اما در جمهوری سوسیالیستی، برخلاف همه نظام‌های طبقاتی در طول تاریخ، نقد این نظرات و تابوها نیز کاملاً و بی‌هیچ قیدوشرط آزاد است. اظهار هر عقیده‌ای آزادی است اما آنچه جرم محسوب می‌شود و قابل تعقیب است تعرض جانی و مالی به افراد و یا توهین و فحاشی و اتهام‌زنی به آنها است و این دومی در صورت شکایت افراد باید مورد تعقیب قرار بگیرد. آزادی بیان و عقیده، بی‌قیدوشرط است اما عملکرد به عقاید مشروط است به حفظ مصونیت جانی و مالی و حفظ حرمت و کرامت افراد. از نظر ما همه عقاید قابل احترام نیستند اما همه افراد، مستقل از اعتقاداتشان، قابل احترام‌اند و باید از تعرض جانی و مالی مصون باشند. یعنی درست عکس عملکرد ترامپیست‌ها و راسیست‌ها در همه‌جا که خاک‌پرستی و مقدسات مذهبی و نژادی را بزرگ می‌دارند اما از هیچ توهین و فحاشی علیه مهاجرین، "خارجی‌ها" و پیروان "مذهب دیگر" فروگذار نمی‌کنند. ترامپیست‌های وطنی هم عیناً همین عملکرد را دارند. احیای عظمت آمریکا را با احیای سلطنت، مکزیک‌ستیزی را با افغانی‌ستیزی، و برتری‌طلبی سفید را با برتری‌طلبی فارس جایگزین کنید از ترامپیسیم

آمریکایی به رویالیسم ایرانی می‌رسید. این نظرات و تفکرات هم همین امروز و در

شارلی ابدو سر حال است، حال پیامبر تعریفی ندارد! به مناسبت دهمین سالگرد ترور اسلامی کارکنان هفته نامه شارلی ابدو



محسن ابراهیمی

"وقتی زندگی صد دلیل برای گریه کردن به شما نشان می دهد، شما هزار دلیل برای خندیدن به آن نشان دهید." چارلی چاپلین شارلی ابدو هفته نامه طنز چپ گرا و محبوب همین کار را می کرد. می خندید و می خنداند. در مقابل هر دلیل برای گریه و ماتم صدها دلیل برای خنده پیدا می کرد و ما را می خنداند. این یک ویژگی منحصر به فرد شارلی ابدو بود و هست: مقدسات، مخصوصاً مقدسات مذهبی را که بزرگترین کارخانه تولید ماتم و عزا و گریه و همچنان منبع هولناک ترین جنایتها و ترورها بوده اند و همچنان هستند به نیشخند گزنده می گرفت و همچنان می گیرد و خوانندگان را نه فقط با هزار دلیل بلکه با هزار کاریکاتور سر حال می آورد! وقتی کاریکاتورهای شارلی نگاه تیزبینش را بر لجنزار اسلامی دوخت، جریانات اسلامی فوراً راهی را انتخاب کردند که ۱۴۰۰ سال پیش پیامبر اسلام در مقابلشان گشوده بود: ترور و آدم کشی.

جرم شارلی ابدو این بود که در چندین نوبت کارتونهای محمد پیامبر اسلام را بازنشر کرده بود و در ۷ ژانویه ۲۰۱۵ میلادی، دو تروریست اسلامی به دفتر شارلی ابدو وارد شدند و در کمال خونسردی و قساوت ده روزنامه نگار و کاریکاتوریست این هفته نامه را قتل عام کردند. یک نمونه نفرت انگیز دیگر از خصومت اسلام با شادی و خنده و هر بنی بشری که جرئت می کند مقدسات این دین را به طنز بکشد!

از منظر شارلی ابدو مقدساتی وجود ندارد. شارلی حق به طنز کشیدن مقدسات، حق تمسخر مقدسات را یک رکن مهم آزادی بیان می دانست و همچنان می داند. اگر مقدسات،

مخصوصاً مقدسات دینی در طول تاریخ یک رکن اصلی مقابله با آزادی بیان بوده است، آنگاه می توان گفت شارلی ابدو در صف اول مبارزه برای آزادی بیان شجاعانه ایستاد و مبارزه کرد حتی به قیمت هزینه سنگین انسانی.

دایره طنز گزنده شارلی بسیار بزرگ است. دیکتاتوری، نژادپرستی، سانسور، فرهنگ عامه، فمینیسم، ایدئولوژیها، قدرتمندان، میلیاردها، احزاب و رهبران سیاسی، چپ و راست، مخصوصاً نژادپرستی و همه ادیان و مقدساتشان مدام آماج کاریکاتورهای گزنده شارلی ابدو بوده اند. حزب دست راستی نژادپرست مجمع ملی فرانسه رکورددار شکایت از شارلی ابدو در دادگاههای فرانسه بود که در متن همبستگی وسیع جامعه مدنی تبرئه شد. دین یهودیت، مسیحیت و اسلام و هیچ کدام از پیامبران این سه دین از طنزها و کاریکاتورهای شارلی ابدو در امان نبوده اند. اما این فقط جریانات اسلامی است که مؤمنین را تحریک کرد تا در خیابانها عریضه بکشند. این فقط جریانات اسلامی است که آدمکش برای کشتار کاریکاتوریست شارلی ابدو فرستاد. این تفاوت واکنش به این خاطر نیست که مثلاً یهودیت و مسیحیت مدافع آزادی بیان هستند. واقعیت این است که قبلاً دم این ادیان چیده شده است، دست و پایشان کوتاه شده

است و به کنج کنیسه ها و کلیساها رانده شده اند. همان ادیان هم وقت خودش، آنگاه که یکه تازی می کردند تا توانسته اند شکنجه کرده اند، کشته اند و سوزانده اند تا کسی جرئت نکند "مقدساتشان" را زیر سؤال ببرد. اگر انقلاب کبیر فرانسه دست و پای مسیحیت و کلیسا را کوتاه نکرده بود، امروز حتماً کلیسا بساط کاریکاتورسوزی و کاریکاتوریست سوزی راه می انداخت. باید اسلام این آخرین دین توحیدی را هم به کنج مساجد راند تا فضا برای تحریک اسلامی علیه آزادی بیان، برای عریضه کشی. مؤمنین اسلام علیه آزادی بیان تنگ شود. تا آزادی بیان از خطر تروریسم اسلامی مصون شود. همه شواهد نشان می دهد که این نقش، نقش سرریز کردن و مهار اسلام از دست درازی به آزادی بیان برعهده انقلابی بزرگ، انقلابی به عظمت انقلاب فرانسه است که پیش صحنه اش در خیزش مهساژینا رقم خورده است. اتفاقی که با پیروزی اش کارتونها و کارتونیستها هم نفس راحتی خواهند کشید!

"شارلی پنچر نشدنی است"

زمانی گزارشگر مجله اشپیگل طنزهای شارلی ابدو را با رقیب دیگری، لو کانار انشنه (Le Canard enchaîné) مقایسه کرد و گفت طنزها و شوخیهای شارلی "زمخت و بی مزه" هستند. ژرار بیار، سردبیر شارلی ابدو پاسخ محکمی داد وقتی گفت لو کانار انشنه هرگز جرئت نکرده محمد پیامبر اسلام را روی صفحه اول خود بیآورد در حالی که شارلی ابدو از چنین قید و بندی رها است.

جرم شارلی همین بود که پیامبر اسلام را وارد صفحاتش کرد. کشیدنش اهانت به مقدسات اسلامی است. جرم جرمی سب النبی است. همان جرمی که در دادگاههای شرع جمهوری

اسلامی مبنای گرفتن جان انسانهاست. شارلی با کاریکاتورهای پیامبر اسلام روشنایی انداخت روی عمامه های بمبی و تروریسم اسلامی، روی کودک همسری - همان تجاوز شرعی به کودکان - در اسلام، روی جنبه هایی از تجاوز و تعرض اسلام و جریانات اسلامی بر زندگی شهروندان که همین الان مردم از طرف نسخه های شیعی و سنی اسلام در ایران و افغانستان تجربه می کنند.

شارلی ابدو ده روزنامه نگار و کاریکاتوریست از دست داد اما هرگز از آزادی بیانش کوتاه نیامد. پنج سال بعد از جنایت ۷ ژانویه، در آستانه محاکمه ای که برای حمله به این نشریه برگزار شده بود، بار دیگر کاریکاتورهایی از پیامبر اسلام را به چاپ رساند و هر بار هم محبوبیتش بالا رفت. در نظرسنجی هایی در سال ۲۰۰۶، سالی که برای اولین بار کاریکاتورهای پیامبر مسلمانان در شارلی ابدو منتشر شد، تنها یک سوم فرانسوی ها از کاریکاتورها با موضوع مذهب حمایت می کردند، اما این رقم در سالهای بعد به سه چهارم افزایش یافت. تیراژ نشریه بعد از عملیات تروریستی به هشت میلیون رسید و رکورد فروش در میان نشریات فرانسه را شکست. همچنان با موجی از همبستگی جهانی استقبال شد و از یک نشریه کشوری و داخلی به یک نشریه جهانی تبدیل شد.



ایلان ماسک و کاریکاتور "آزادی بیان نامحدود"

از صفحه ۲

جامعه سوسیالیستی فردا، مورد نقد پیگیر و عمیق ما و همه آزادی خواهان است. اما ترامپیست‌های وطنی در جامعه سوسیالیستی نیز کاملاً آزاد خواهند بود هر چه می‌خواهند بگویند بی‌آنکه البته حق هیچ تعرض و اقدام عملی علیه شهروندان داشته باشند.

نکته دیگر اینکه آزادی‌های بی‌قیدوشرط چه امروز و چه در نظام سوسیالیستی به این معنی نیست که افراد، رسانه‌ها و احزاب و نهادهای اجتماعی ملزم به انتشار و دفاع از هر عقیده و موضع و نظری هستند. همچنان که کسی در سایت و پلتفرم مدیای اجتماعی اش ملزم به انعکاس همه نظرات نیست. هر کس می‌تواند و حق دارد شروط و معیارهای خود را برای انتشار عقاید داشته باشد. مثلاً یک رسانه طرفدار گیاهخواری اگر مقاله‌ای در مزایای همبرگر درج نکند، سانسور نکرده است بلکه از عقاید خود دفاع کرده است. نفی و سرکوب آزادی‌ها از جانب دولت‌ها اعمال می‌شود و نه افراد جامعه یا نهادها و رسانه‌های غیردولتی. آزادی هر فرد و حزب و رسانه و سایت و پلتفرم اجتماعی در انتخاب نظراتی که منتشر می‌کند خود یک رکن آزادی‌های بی‌قیدوشرط است.

باتوجه به این توضیحات باید روشن باشد که نه آزادی‌های نامحدود کذابی ایلان ماسک و نه اقدامات شنیعی نظیر آنچه شاهپرست‌ها علیه مزار غلامحسین ساعدی انجام دادند، جایی در تلقی و درک ما از آزادی و جایگاهی در جمهوری سوسیالیستی موردنظر ما نخواهد داشت.

۱۹ دی ۱۴۰۳، ۸ ژانویه ۲۰۲۵

شارلی ابدو سر حال است، حال پیامبر تعریفی ندارد!

از صفحه ۳

شارلی واقعاً نشان داد که حتی تروریسم اسلامی هم قادر نشد پنچرش کند. شارلی در آستانه دهمین سالگرد حمله مسلحانه و مرگبار به دفترش ویژه‌نامه‌ای منتشر کرده است. در کاریکاتور روی جلد این ویژه‌نامه، شخصی روی یک تفنگ نشسته و نشیبه شارلی ابدو را در دست گرفته و می‌خندد و اعلام می‌کند شارلی "پنچر نشدنی" است. در مطلب سردبیر می‌خوانیم: "اگر بخوایم بخندیم، یعنی می‌خواهیم زندگی کنیم. خندیدن، طنز و کاریکاتور نمادهای خوش‌بینی هستند."

در دهمین سالگردش همچنین، یک مسابقه بین‌المللی با موضوع "خنده خدا" راه انداخت و از میان کاریکاتورهای زیاد دریافت شده تعدادی را منتشر کرد. شارلی ابدو همچنان زنده است. پیامبر و پیروانش اما قاعداً باید افسرده و ناامید شده باشند که تروریسمشان را کاریکاتورها شکست داده‌اند. شارلی همچنان می‌خندد و می‌خنداند. همچنان مقدسات را دست می‌اندازد. زنده‌باد شارلی ابدو!

شارلی ابدو و علی خامنه‌ای

شارلی ابدو در دسامبر ۲۰۲۲ میلادی در همبستگی با انقلاب زن زندگی آزادی سراغ علی خامنه‌ای رفت و مسابقه‌ای تحت عنوان "آخوند برو گمشو" راه انداخت. مسابقه برای کشیدن کاریکاتور خامنه‌ای بود برای حمایت از "ایرانیانی که برای آزادی خود می‌جنگند" که بعداً آثار برگزیده کاریکاتورها در شماره‌ای ویژه با عنوان "یک جا در جهنم برای همه برندگان رزرو شد" منتشر شد.

این بار سردسته دیپلمات - تروریست‌های حکومت، حسین امیرعبداللّه‌یان، انتشار کاریکاتورهای خامنه‌ای را "توهین به مقدسات" خواند و سردار حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران، یکی از آدمکشان پیامبر اسلام، کارکنان شارلی را علناً به مرگ تهدید کرد: "مسلمانان دیربازود انتقام خواهند گرفت و ممکن است شما انتقام گیرندگان را بازداشت کنید، اما مردگان دیگر زنده نمی‌شوند." تهدید تروریستی حکام اسلامی با یادداشت فارسی شارلی ابدو جواب گرفت: "آخوندها راضی نیستند. کاریکاتورهایی که از مقام معظم رهبری طی هفته گذشته در این صفحات منتشر شد، به نظر نمی‌رسد آنها را چندان خندانده باشد!" و یادآوری کرد که این تهدیدها نشانه‌ای از وضعیت شکننده و ضعیف دیکتاتوری مذهبی علی خامنه‌ای است و وعده داد که پاسخ حملات آخوندها را با کاریکاتورهایی بیشتر خواهد داد و ادامه داد: "رژیم آخوندها آنقدر احساس خطر کرده که حمله کردن به سایت یک روزنامه فرانسوی را برای وجود خودش حیاتی می‌داند. از یک سو (برای ما) افتخاری است و از سوی دیگر به‌ویژه نشان مدرکی است دال بر اینکه در قدرتش احساس شکنندگی می‌کنند... آخوندها از میل و علاقه و اشتیاق چه می‌فهمند؟"

شارلی در همین شماره در باره انقلاب زن زندگی آزادی چنین تصویری داد: "آنچه در ایران می‌گذرد فقط یک انقلاب دموکراتیک نیست، شورش امیال و لذت است. محکومین به اعدام که در تهران به دار آویخته شده‌اند، زنان یا مردان سن‌وسال دار نیستند که زندگی پرشوری را پشت سر گذاشته باشند. آنها جوانانی هستند، در سپیده‌دمان حیاتشان، سرشار از امید و آرزو."

شارلی ابدو حکومت اسلامی را ول نکرده است. عربده‌های حسین سلامی و تهدیدهای حکام اسلامی شارلی را نترسانده است. در دومین سالگرد قتل حکومتی مهسالژینا امینی ویژه‌نامه دیگری تحت عنوان "زن‌ها ول کن نیستند" منتشر کرده است. در کاریکاتور روی جلد آن آیت‌الله زیر فشار موهای افشان زنان خفه می‌شود!

زنده‌باد شارلی ابدو، نابود باد دشمنان اسلامی شارلی

لیست کمک مالی به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

- ♦ اسماعیل مردوخ ۱۲۰۰ کرون سوئد
- ♦ رحیم یزدان پرست ۲۰۰ کرون سوئد.
- ♦ مجید فرحیان ۵۰۰ کرون سوئد.
- ♦ علی قنبری ۱۰۰ دلار آمریکا
- ♦ مجید آذری ۱۲۰ دلار آمریکا
- ♦ ستار نوری‌زاد ۱۲۰ دلار آمریکا
- ♦ صادق احمدی ۱۰۰ دلار آمریکا
- ♦ شجاع تگزاس ۲۰۰ دلار آمریکا
- ♦ علاءالدین فرهادپور ۱۲۰ دلار آمریکا
- ♦ فردین ۱۰۰ دلار آمریکا
- ♦ سهراب وفا ۲۰۰ دلار آمریکا
- ♦ جان کمالی ۵۰ دلار آمریکا
- ♦ مینا بهروزی ۱۲۰ دلار کانادا
- ♦ سلیمان سیگارچی ۱۲۰ دلار کانادا
- ♦ فرهاد پیروزی ۲۵۰ دلار کانادا
- ♦ بهمن خانی ۱۰۰ یورو.

کمیته سازمانده حزب چه می کند؟ سؤالی از شهلا دانشفر مسئول کمیته سازمانده



انترناسیونال: کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری مسئولیت ارتباط و سازماندهی تشکیلات داخل حزب را بر عهده دارد و با نگاهی به اطلاعاتی که حزب می‌تواند به گستردگی و عمق این فعالیت‌ها پی برد. می‌دانم که همواره ملاحظات جدی امنیتی مانع از تشریح تمام ابعاد و زوایای فعالیت‌های کمیته سازمانده بوده است. از شما می‌خواهم تا جایی که این ملاحظات اجازه می‌دهند از سابقه، ابعاد و اشکال مختلف فعالیت‌های کمیته سازمانده برای خوانندگان ما بگویید.

شهلا دانشفر: همانطور که اشاره کردید خیلی به طور مشخص و جزئیات امکان توضیح کارها و فعالیت‌های کمیته سازمانده متأسفانه وجود ندارد.

کمیته سازمانده کار هدایت و گسترش سازمان حزب در داخل کشور را بر اساس سیاست‌های مصوب و جاری حزب بر عهده دارد.

این کار از طریق فعالیت متمرکز و هر روزه اعضا، کادرها و نیروهایی که خود را با سیاست‌ها و سبک کار فعالین این حزب نزدیک می‌بینند و بیننده تلویزیون کانال جدید هستند، پیش می‌رود. به عبارت روشن‌تر اعضا و فعالین مرتبط با حزب در ارتباط تنگاتنگ با اکتیویست‌ها و فعالین اجتماعی در عرصه‌های مختلف مبارزه تأثیر مستقیمی بر روی نحوه پیشبرد، شعارها، سازماندهی، خواست‌ها و گفتمان‌های مبارزاتی جنبش‌های مختلف اجتماعی در سطح جامعه دارند. این رابطه و تأثیرگذاری در واقع تسمه‌نقاله بردن سیاست‌های کلان حزب به میان مردم است که رابطه حزب با جامعه را رقم می‌زند. در بستر چنین شکلی از فعالیت اجتماعی و تنیده در اعتراضات جامعه است که حزب در یک ارتباط مستقیم، به لحاظ مضمونی بر روند تحولات سیاسی جامعه تأثیر می‌گذارد و به اعتراضات مردمی و به روند تداوم انقلاب عمق می‌بخشد. طبعاً تبلیغات نوشتاری، تلویزیونی و فعالیت در مدیای اجتماعی و امثال اینها هم یک بعد مهم این تأثیرگذاری است.

به این معنا که سیاست‌های حزب در سطح کلان چه به‌صورت نوشتاری از جمله برنامه حزب و نشریات و مصوبات آن، چه از طریق تلویزیون ۲۴ ساعته کانال جدید که خود نقش سازمانگر دارد و یا از طریق مدیای اجتماعی، و چه از طریق کمیته‌ها و نهادهای روبه‌داخل به درون جامعه می‌رود و نقش دخالتگر حزب را رقم می‌زند.

کمیته سازمانده به امر سازماندهی در ایران در سطح سراسری معطوف است. سازمان جوانان که از نام آن برمی‌آید محدوده کارش روشن است و بالاخره کمیته کردستان که تمرکز ویژه کار و مباحثش بر روی شهرهای کردستان است و همین‌طور کمیته آذربایجان که حتماً برنامه‌های تلویزیونی آن به زبان ترکی را در تلویزیون کانال جدید دنبال کرده‌اید. باتوجه‌به وجود این کمیته‌ها کمیته سازمانده رابط حزب با اعضا و کادرهایش در داخل کشور است.

طبعاً من نمی‌توانم در مورد شمار کادرها و اعضا و درجه نفوذ و دخالتگری حزب به طور مشخص آمار بدهم. اما درجه دخالتگری حزب در مبارزات جاری در سطح جامعه و خیزش‌های اجتماعی را می‌توان از درجه نفوذ گفتمان‌ها و هژمونی سیاسی حزب در سطح جامعه متوجه شد. همچنین درجه انطباق شعارهای سیاسی اعتراضی مردم در کف خیابان و ابراز وجود اجتماعی جنبش‌های مختلف اجتماعی و اکتیویست کارگری و اجتماعی در بیانیه‌ها و قطعنامه‌ها این را می‌تواند نشان دهد. وقتی از این منظر نگاه کنیم، نفس انقلاب زن زندگی آزادی، رشد گفتمان‌های آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه در جامعه و جلو آمدن منشورهایی چون منشور خواست‌های حداقلی بیست تشکل و منشور خواست‌های پیشرو زنان، نقد طبقاتی

مذهب به‌عنوان ابزاری برای چاپیدن و سرکوب جامعه، تأکید بر زنانه بودن انقلاب و نیز در شکست‌های پی‌درپی گفتمان‌های جریان‌های راست و منشورهایشان همه‌همه بهترین شاخص‌ها برای سنجش درجه نفوذ و هژمونی سیاست‌های چپ و سوسیالیستی و خط حزب در گفتمان‌های جاری در جامعه و در تعمیق انقلاب است. در دل چنین شکلی از فعالیت است که کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری به نوبه خود نقش ایفا کرده و یک بازوی مهم حزب بوده است.

از جمله یک وجه قابل توجه فعالیت کمیته سازمانده حضور میدانی آن در مبارزات جاری و جنبش‌های مختلف اجتماعی در جامعه از طریق نقش آفرینی اعضا و کادرهای حزب بوده است. در این بستر فعالین حزب در داخل در رابطه‌ای تنگاتنگ با کمیته سازمانده در امر سازماندهی، تأثیرگذاری بر کارزارهای مبارزاتی جاری در جامعه و مبتکر راه‌اندازی کارزارهای اعتراضی بر سر موضوعات مهم و عاجل، و حتی در سطح سازماندهی اعتراضات خیابانی و بیان شعارها و قطعنامه‌ها دخالتگر و نقش آفرین بوده‌اند.

بدین ترتیب روشن است که کمیته سازمانده در دوران انقلاب زن زندگی آزادی و در ادامه آن امروز در فضای انقلابی جامعه کار فشرده‌تری را در دستور داشته است. به عبارت روشن‌تر فعالیت این کمیته را نمی‌توان از لحظات انقلاب و تداوم آن و از کشاکش‌های هر روزه در سطح جامعه از جمله سازماندهی اعتراضات مردمی و فراخوان‌های سراسری و جلو آمدن گفتمان‌های رادیکال و چپ در جامعه تفکیک کرد.

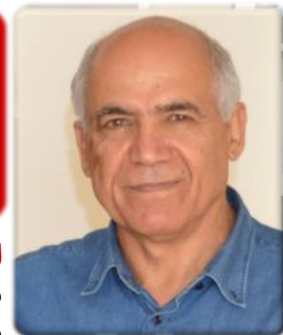
خلاصه کلام اینکه کمیته سازمانده و فعالین حزبی یک پای ابراز وجود سیاسی - اجتماعی در داخل از طریق فعالین حزب و در همراهی با طیف وسیعی از فعالین چپ اجتماعی و انقلاب زن زندگی آزادی بوده است. یک پای فراخوان دهی به اعتراضات، اعتصابات و تجمعات سراسری و شکل‌دهی آنها در سطح میدانی بوده است. یک پای مهم تقویت و شکل‌دهی به جنبش علیه حجاب و علیه آپارتاید جنسی و جنسیتی و دفاع از حقوق ال جی بی تی کیوها و حقوق کودک بوده است. و بالاخره اینکه یک پای مهم جنبش دادخواهی و جنبش علیه زندان و شکنجه و اعدام بوده و در جلو آوردن گفتمان "اعدام قتل عمل دولتی است" و "اعدام در هر شکل آن ممنوع باید گردد" نقش آفرین بوده است.

در همین راستا کمیته سازمانده از طریق فعالیت سازمانگرا نه اش در داخل و در شکل فعالیت اجتماعی خود یعنی از طریق دخالت در اعتراضات، شکل‌دادن به تشکل‌ها، تأثیرگذاری روی سیاست‌های اجتماعی و به هم نزدیک کردن صفوف معترضین اجتماعی، در کنار نیروهای مختلف چپ و اجتماعی در جامعه تلاش کرده است تا از مناسبت‌های مهمی چون سالگرد انقلاب، اول ماه مه‌ها، هشت مارس‌ها، و روز جهانی منع خشونت و غیره برای جلو آوردن گفتمان‌های رادیکال و انسانی و تعمیق انقلاب بهره‌گیرد.

با چنین شکلی از فعالیت، کمیته سازمانده تلاش کرده که رابطه خود را با اعضا و فعالین رادیکال و معترض و اکتیویست‌های جامعه تحکیم بخشد و در تبادل نظر دائم با آنها به شکل مؤثرتری سیاست‌های حزب را به درون جامعه برد. بدین ترتیب همانطور که اشاره شد این کمیته کوشیده است که به‌عنوان یک بازوی مهم فعالیت حزب در ایران هم به‌صورت میدانی و دخالتگری در صحنه اعتراض و هم در قالب گفتمان‌های سیاسی و جلو آوردن خواست‌ها و مطالبات رادیکال و گذاشتن افق روشنی از جامعه انسانی آتی در مقابل اعضا و اکتیویست‌های مرتبط با خود نقش ایفا کند.*

در مورد تأمین مالی حزب کمونیست کارگری

گفت‌وگو با اصغر کریمی



انترناسیونال: حزب کمونیست کارگری

نقش فعالی در عرصه‌های مختلف مبارزه دارد. نشریات متنوع منتشر می‌کند که نیاز به کادر تماموقت دارد. هزینه زندگی تعدادی از کادرهای حزب که فول‌تایم مشغول فعالیت هستند را باید تأمین کند. بعلاوه این حزب یک تلویزیون ۲۴ ساعته دارد که هزینه‌های سنگینی بابت اجاره ماهواره و تأمین مالی کادرهای تماموقت آن می‌پردازد. سؤال این است حزب هزینه این فعالیت‌ها را چگونه تأمین می‌کند؟

اصغر کریمی: لیست هزینه‌های حزب خیلی بیشتر از اینها است که اشاره کرده‌اید البته رقم‌های اصلی را شما اشاره کرده‌اید. مثلاً در داخل کشور هم حزب هزینه‌های کمی ندارد. در سال‌های گذشته مجموعاً حزب ماهی ۲۵ تا ۳۰ هزار دلار هزینه داشته است. بیست و یک سال قبل که کانال جدید راه افتاد اجاره ماهواره بسیار سنگین بود و حزب ماهیانه نزدیک به ۵۰ هزار دلار هزینه داشت. کل این هزینه‌ها را در تمام طول فعالیت حزب اعضا و کادرهای حزب و دوستداران حزب یا فعالینی که هر چند خود را طرفدار حزب نمی‌دانند اما فعالیت‌های حزب را مثبت و مفید می‌دانند، تأمین می‌کنند. کلاً منابع حزب در حال حاضر عبارت‌اند از: حق عضویت اعضا، کمپین‌های سالانه حزب، کمک‌های موردی اعضا و دوستداران حزب.

انترناسیونال: این همه که می‌گویید کافی است؟ یعنی حزب هزینه همه فعالیت‌هایی را که باید انجام دهد تأمین می‌کند؟

اصغر کریمی: نه، منابع مالی حزب مطلقاً کافی نیست و حزب مطلقاً از همه ظرفیت‌ها و توانایی‌هایش استفاده نمی‌کند. یک دلیل آن کمبود امکانات مالی است. حزب پروژه‌هایی برای فعالیت در نظر دارد که سراغشان نمی‌رود و برخی فعالیت‌ها را تماموکمال انجام نمی‌دهد چون هزینه‌اش را ندارد. چند ماه قبل یکی از سه ماهواره‌ای که برنامه‌های کانال جدید روی آن پخش می‌شد را تعطیل کردیم چون با مشکل جدی مالی مواجه شدیم. برخی هزینه‌های دیگر را هم حذف کردیم. باین حال همین‌الان در وضعیت سخت مالی قرار گرفته‌ایم.

انترناسیونال: از دولت‌ها کمک دریافت می‌کنید؟ اگر نه، چرا و اگر جواب مثبت است آیا در صورت دریافت چنین کمکی استقلال سیاسی خود را از دست نمی‌دهید؟

اصغر کریمی: ما مشکلی برای کمک از دولت‌ها، البته نه همه دولت‌ها، نداریم. ولی به نظر من هیچگاه حزب آن‌طور که باید فعالانه به این موضوع برخورد نکرده و سراغ هیچ دولتی هم برای گرفتن کمک نرفته است. نمی‌دانم اگر می‌رفتیم موفق می‌شدیم یا نه. در هر صورت حزب باید سیاست فعالی را در این زمینه در پیش بگیرد. ما نگران از دست دادن استقلال سیاسی مان نیستیم چون هر دولتی بخواهد کمک کند اصل اول ما بی‌قیدوشرط بودن آن است. ما قراری در پلنوم کمیته مرکزی در سال ۱۳۷۸ (۱۹۹۹ میلادی) تصویب کردیم که دو بند آن که به مسئله مالی مربوط می‌شود به این شرح است:

«حزب کمونیست کارگری هیچ توافقی را که متضمن محدود شدن آزادی عمل و فعالیت و تبلیغات حزب باشد را نمی‌پذیرد (اصل استقلال حزب). حزب کمونیست کارگری به هیچ توافق و هیچ رابطه‌ای که حزب بنا به خواست دولت ذی‌ربط ملزم به پنهان کردن آن از مردم باشد وارد

نمی‌شود. (اصل علنیت). حزب کمونیست کارگری ایران قبول کمک مالی و تدارکاتی از دولت‌هایی که رابطه با آنها بنا بر مفاد این مصوبه مجاز تشخیص داده شده است را منتفی نمی‌داند. پذیرش کمک باید بر مبنای اصول مندرج در بند ۳ (استقلال و علنیت) صورت بگیرد. تصمیم درباره دریافت و عدم دریافت کمک در هر مورد با دفتر سیاسی است.»

این مصوبه در ۲۵ سال قبل دولت‌های اسلامی و دولت عراق را جزء لیستی می‌دانست که کمک گرفتن از آنها مجاز نیست. ولی مصوبه تصریح کرده است که در هر مقطع لیست دولت‌هایی که داشتن مناسبات با آنها مجاز است باید توسط کمیته مرکزی حزب تهیه شود. همانطور که می‌بینید اصل استقلال و اصل علنیت دو جزء پرنسیب‌های حزب هستند.

به‌هرحال همانطور که اشاره کردم باید سیاست فعالی در این زمینه در پیش بگیریم و امیدواریم دولت‌هایی پیدا شوند که حاضر به کمک به حزب باشند.

انترناسیونال: میلیون‌ها ایرانی ضد حکومت اسلامی در خارج از ایران زندگی می‌کنند که گوشه‌ای از قدرت این نیروی وسیع را در جریان انقلاب زن زندگی آزادی در خارج کشور شاهد بودیم. آیا از این جمعیت عظیم در جهت تأمین مالی حزب استفاده می‌کنید؟ از داخل کشور چطور؟

اصغر کریمی: همانطور که در پاسخ به سؤال اول توضیح دادم بخشی از هزینه‌های حزب علاوه بر اعضا از طریق دوستداران یا کسانی که وجود این حزب و فعالیت‌هایش را مفید و مثبت می‌دانند تأمین می‌شود. اما این لیست بسیار محدود و حداکثر چندصد نفر است. باید تلاش کنیم این لیست را به چندبرابر برسانیم. آیا امکانش هست؟ هیچ تردیدی نباید داشت که امکانش هست. هزاران نفر از ایرانیان خارج کشور فعالیت‌های سیاسی حزب یا فعالین شناخته شده حزب را همراهی می‌کنند. به‌ویژه در دو سال گذشته ابعاد ایرانیانی که با کادرهای حزب آشنا شده و به فعالیت‌های آنها و کلاً حزب سمپاتی دارند و احترام می‌گذارند چندبرابر شده است. اما تعداد کمی از آنها به حزب کمک مالی می‌کنند. علتش این است که همین رفقای ما، یا بهتر است بگوییم برخی از این رفقا که از احترام و اتوریته‌ای در میان آنها برخوردار هستند، همین‌طور بسیاری از اعضای رهبری حزب برای کمک مالی به سراغ آنها نمی‌روند. نمی‌روند با آنها در مورد حزب و ضرورت وجود این حزب برای جامعه بیشتر صحبت کنند و آنها را تشویق به کمک کنند. این مربوط به سنت‌های نادرستی است که در حزب وجود دارد و باعث می‌شود حزب از امکانات بالقوه خود محروم شود.

انترناسیونال: سنت‌های دست‌وپاگیر که اشاره کردید چیست؟

اصغر کریمی: ذهنیتی خودبه‌خودی عمل می‌کند که کمک گرفتن از دیگران یا حتی مراجعه به مردم را کسرشان خود می‌داند. یکی می‌گوید وقت کمی دارد و اولویتش فعالیت‌های دیگر است، یکی فکر می‌کند اگر با جواب منفی برخی مواجه شود اتوریته‌اش کم می‌شود. یکی فکر می‌کند بعید است فلانی کمک کند. این ذهنیت بدون اینکه مخالفت کند اما در میان ما عمل می‌کند. در تمام دنیا احزاب انقلابی هزینه‌هایشان را از طریق مراجعه به مردم تأمین می‌کنند، ما هم از این قاعده مستثنی نیستیم. خوشبختانه در سال‌های اخیر روحیه بهتری در میان

کادرهای حزب شکل گرفته است. اخیراً یکی

در مورد تأمین مالی حزب کمونیست کارگری از صفحه ۶

دوستان را که بعضاً وضعیت مالی خیلی خوبی هم دارند با فعالیت‌هایمان و نیاز جامعه به ما آشنا کنیم و از آنها کمک بخواهیم.

می‌خواهم بگویم ظرفیت حزب بسیار بیشتر از اینها است و واقعاً می‌توانیم منابع مالی مان را چندین برابر کنیم. لازمه آن کنار گذاشتن ذهنیتی که اشاره کردم و تشخیص این موقعیت حزب و تبدیل شدن این مسئله به یک اولویت برای همه رفقای ما است.

انترناسیونال: اگر امکانات مالی وسیع را تأمین نکنید چه دشواری‌هایی سر راه حزب خواهد بود؟ چه برنامه‌ای دارید؟

اصغر کریمی: روشن است که هر چه منابع مالی ما کمتر باشد دامنه فعالیت ما محدودتر می‌شود. در کمپین‌های سالانه حزب مقداری بیشتر از ۱۰۰ هزار دلار کمک مالی تأمین می‌کنیم. این خیلی کم است. نه نسبتی با موقعیت حزب دارد و نه نسبتی با نیازهای روبه‌رشد حزب. به‌ویژه در این دوره با توجه به سرعت تحولات سیاسی در ایران حزب خیلی خیلی بیشتر از گذشته باید فعالیت‌هایش را در داخل و خارج گسترش دهد و این امکانات مالی بسیار بیشتری لازم دارد. و متأسفانه درست در چنین شرایطی به دلیل مشکلات مالی جدی که با آن مواجه شده‌ایم هم یکی از ماهواره‌ها را قطع کردیم و هم برخی هزینه‌های دیگر را. در نتیجه باید به‌طور جدی به فکر تأمین مالی حزب باشیم، نیروی بیشتری به این مسئله اختصاص بدهیم تا هم این بحران را از سر بگذرانیم و هم به‌سرعت منابع مالی را گسترش دهیم تا بتوانیم در این دوره سرنوشت‌ساز نقش شایسته خود را ایفا کنیم.

تا جایی که من به یاد دارم در تمام طول فعالیت این حزب یعنی در تمام ۳۳ سال گذشته مسئله مالی یکی از مشغله‌ها و یکی از مشکلات حزب بوده است اما علی‌رغم آن حزب فعالیت خودش را هر سال گسترش داده است. زمانی روزی نیم ساعت رادیو طول‌موج کوتاه داشتیم و از تقریباً ۲۱ سال قبل برنامه‌های ۲۴ ساعته تلویزیونی داریم و هزینه‌ها را با هر تلاشی بوده تأمین کرده‌ایم. سیاست ما این بوده که فعالیت را گسترش دهیم هزینه‌اش هم تأمین می‌شود اما الان با توجه به شرایط دشواری که با آن مواجه شده‌ایم باید برنامه فعال‌تری در دستور بگذاریم.

آخرین نکته‌ای که لازم است اشاره کنم در واقع فراخوانی به مردم است، به فعالین زن زندگی آزادی در داخل و خارج کشور، به آنها که قلبشان برای رهایی جامعه از شر جمهوری اسلامی می‌تپد، از جمله و به‌طور مشخص به فعالینی در ایران که بعضاً امکانات مالی خوبی هم دارند و به حزب نزدیک‌اند و به‌عنوان یک آلترناتیو مطرح و مؤثر به آن نگاه می‌کنند. فراخوانم به همه آنها این است که به حزب کمک کنید. حزب یکی از امیدهای مهم این دوره جامعه است. به‌خاطر اهداف انسانی‌اش پرنسیپ‌ها و مواضع سیاسی اصولی و مؤثر آن در انقلاب زن زندگی آزادی و نیز به‌خاطر فعالیت‌های میدانی و سیاسی متحدکننده و سازمان‌گرانه‌اش.*

از کادرهای حزب به دوستی آمریکایی که آشنایی خیلی زیادی هم با او نداشت، در مورد اهمیت فعالیت‌های سیاسی خودش برای انقلاب زن زندگی آزادی صحبت کرد و این دوست بلافاصله ۶ هزار دلار کمک مالی کرد. رفیق دیگری داریم که به ده‌ها نفر مراجعه می‌کند و هر چند اکثر آنها از گرایش‌های مختلف فکری و سیاسی هستند اما به درخواست او جواب مثبت می‌دهند. رفیق دیگری به برخی طرفداران بهائیت مراجعه کرده و از آنها قول کمک گرفته است. آنها کم‌وبیش می‌دانند که حزب یکی از محدود جریاناتی است که ستم به باورمندان به مذاهب دیگر را محکوم می‌کند و سیاست فعالی در این زمینه دارد. چند سال قبل خانم مسنی که قدیم بهایی بود و هنوز هم در محافل آنها فعال بود تحت‌تأثیر یکی از برنامه‌های کانال جدید با ما تماس گرفت و ۴۵ هزار پوند به کانال جدید کمک کرد. همان روزها دوستی از ایران که هرگز او را نشناختیم ۱۵ هزار دلار کمک مالی فرستاد. دوست دیگری در کمپین‌های دو سه سال گذشته ۱۰ هزار دلار از ایران کمک مالی کرده که آشنایی خاصی با او نداریم. از این موارد باز هم هست. به این مثال‌ها اشاره کردم که بگویم انسان‌های شریف زیادی هستند که اکثر آنها را نمی‌شناسیم ولی به ما سمپاتی دارند. مسئله این است که لاقلاً به آنها که می‌شناسیم مراجعه کنیم. این بخشی از آشنایی و تحکیم رابطه و فعالیت سیاسی مؤثر نیز هست. بخش مهمی از تأثیرگذاری و فعالیت سیاسی و همراه کردن آدم‌ها از همین طریق صورت می‌گیرد.

یک دلیل دیگر کم‌بها دادن به این امکانات عدم توجه به موقعیت کنونی حزب است. هزاران نفر در کانادا و اروپا به‌ویژه از شروع انقلاب زن زندگی آزادی تاکنون صمیمیت حزب را در فعالیت سیاسی دیده‌اند، نقش مؤثر حزب در متحد کردن و سازمان‌دادن بسیاری از فعالیت‌ها را دیده‌اند و احترام خاصی برای فعالین میدانی حزب دارند. به نظر من این رفقای ما باید به تک‌تک آنها مراجعه کنند. در داخل کشور نیز شاهد همین پدیده هستیم. تحرک در داخل کشور برای گرفتن کمک مالی را باید بسیار جدی‌تر در دستور قرار دهیم.

یکی دیگر از ابزارهای مهم ما تلویزیون کانال جدید است که در طول دو سال گذشته موقعیت ویژه‌تری در میان فعالین زن زندگی آزادی پیدا کرده و از جمله از صدها فعال انقلاب زن زندگی آزادی در برنامه‌هایش دعوت کرده و با آنها مصاحبه کرده است. از این ابزار نیز باید بسیار بیشتر برای گرفتن کمک استفاده کنیم.

یک امکان دیگر دوستان غیرایرانی رفقای ما هستند که نمونه‌ای از آنرا توضیح دادم. ادبیات ما به فارسی است اما از طریق روابط فردی باید این

کل هزینه ماشین دولتی و ارتش و سیستم اداری بورژوازی، کل هزینه نهادهای ایدئولوژیکی و فرهنگی جامعه بورژوازی و خرج خیل عظیم کسانی که از طریق این نهادها قدرت بورژوازی را حفظ و حراست می‌کنند، از همین منبع (یعنی با کار کارگر) تأمین می‌شود. طبقه کارگر با کار خود خرج طبقه حاکمه، خرج انباشت روزافزون سرمایه و هزینه سلطه سیاسی و فرهنگی و فکری بورژوازی بر خود و بر کل جامعه را می‌پردازد.

(از برنامه یک دنیای بهتر)



انتخاب جوزف عون، شکست جمهوری اسلامی و حزب الله



نسان نودینیان

جمله پایان دادن به خلأ ریاست جمهوری و شروع دوره‌ای نسبتاً آرام برای نظارت بر آتش بس حزب الله و دولت نتانیاهو در اسرائیل و بازسازی‌های جنگ ویرانگر در لبنان و به‌ویژه در بیروت است.

«جوزف عون» در اولین سخنرانی پس از انتخاب به ریاست جمهوری، خلع سلاح نیروهای مسلح و نظامی در لبنان را اعلام کرد. هدف اول، خلع سلاح نظامی حزب الله است. «جوزف عون» با حمایت حزب الله و جنبش أمل در دوره پسا سقوط بشار اسد و شکست نیروهای نیابتی، به ریاست جمهوری رسید. حمایت آنها از «عون» اثر نتیجه بخش یک شکست استراتژیک در منطقه خاورمیانه، لبنان و سوریه است که بر یک واقعیت مهم سیاسی و اجتماعی متکی است. تن دادن به خلع سلاح.

انتخاب جوزف عون با واکنش‌های بین‌المللی همراه بود. آموس هوکشتاین، فرستاده ویژه دولت آمریکا به لبنان، این رویداد را "گامی بزرگ به سوی صلح و امنیت" توصیف کرد. محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی نیز انتخاب عون را تبریک گفت. همچنین، مقامات فرانسوی ابراز امیدواری کردند که دولتی قدرتمند در لبنان تشکیل شود.

نظارت و حضور فعال نمایندگان دولت‌های آمریکا، فرانسه، عربستان سعودی و... در جلسات انتخابات ریاست جمهوری و عکس العمل‌های فوری آنها نشانه موقعیت خطیر سیاسی و اجتماعی لبنان، عراق و سوریه است. لبنان، سوریه و عراق با تحولات سریع سیاسی پینشارو بر این واقعیت تأکید دارند که دوره قدر قدرتی جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی اسلام‌گرا به پایان رسیده است.

می‌گویند؛ بیروت در سه جنگ زخمی شد. در جنگ اول لبنان در سال ۱۹۸۲ بیروت توسط اسرائیل به شدت بمباران شد؛ سپس در سال ۲۰۰۶ مجدداً مورد حمله و بمباران قرار گرفت و باز زخمی شد! بیروت عروس شادی‌های مدرن، زنان بی‌حجاب و محل توریست‌های جهانی است. کوتاه شدن دست اسلام سیاسی و گروه‌های نیابتی مقاومتی حزب الله گامی مهم برای پیشروی‌های بیشتر جنبش آزادی خواهی و مبارزه برای دنیایی بهتر و کوتاه شدن دست مذهب و قبیله گرایی از زندگی مردم است.*

این روزها فضای سیاسی بیروت و بغداد برای جمهوری اسلامی خوش نیست، خبرهای خوشحال کننده از بیروت و بغداد به گوش خامنه‌ای نمی‌رسد. در بیروت حزب الله و خامنه‌ای از صحنه سیاست گذاری حذف شده‌اند، اثری از کارشکنی‌های حزب الله و بازمانده‌های حسن نصرالله دیده نمی‌شود. حزب الله که در دوره پیشاشکست و سقوط بشار اسد همواره در تحمیل سیاست هایش به پارلمان لبنان و نهادهای دولتی و حکومتی نقش بحران سازی و مخالفت داشته، این بار و در پسا سقوط بشار اسد و شکست در مقابل اسرائیل از «جوزف عون» حمایت، کرد. سلیمان فرنجیه، نامزد مورد حمایت حزب الله و جنبش أمل، به نفع ژوزف عون، از کاندیداتوری ریاست جمهوری کناره گیری کرد. بالاخره انتخابات ریاست جمهوری لبنان در ۹ ژانویه ۲۰۲۵ (۱۹ دی ۱۴۰۳) برگزار شد. انتخابات ریاست جمهوری بعد از دو سال بحران و خلأ ریاست جمهوری در دور دوم، با ۹۹ رأی از مجموع ۱۲۸ رأی نمایندگان انتخاب شد. در پارلمان لبنان جوزف عون، فرمانده ارتش لبنان، به عنوان رئیس جمهوری جدید این کشور انتخاب شد. جوزف عون از قبیله مسیحی مارونی است. ساختار یا سیستم پارلمانی لبنان موزائیک قراردادی قبیله‌ای و مذهبی است. قرار است نخست وزیر، مسلمان سنی و رئیس پارلمان، مسلمان شیعه هم انتخاب شوند.

در دو سال گذشته، به دلیل بن بست میان بلوک‌های طرف دار و مخالف حزب الله، این سمت خالی بود.

دیکتاتوری حافظ و بشار اسد در بیش از نیم قرن گذشته در ایجاد ناآرامی، تروریسم و بحران سازی سیاسی و حکومتی تأثیرات تعیین کننده و نقش مخرب و ویرانگری در لبنان داشته‌اند. میراث حافظ و بشار اسد چیزی جز تروریسم و ناامنی جانی برای شهروندان و ساکنین لبنان نبوده است.

با تسلط ضدانقلاب اسلامی در ایران و به قدرت رسیدن خمینی، حزب الله لبنان در سال‌های ۱۹۸۲ به بعد با سازماندهی نیروهای اسلام‌گرا تشکیل شد. حزب الله لبنان با کمک‌های سالانه میلیارد دلاری جمهوری اسلامی به نیروی نیابتی و اسلام‌گرا در لبنان و سوریه تبدیل شد. مبارزه با غرب گرایی و اسرائیل و حمایت از حکومت حافظ و بشار اسد، تبدیل شدن به تونل راهبردی نیروهای مقاومتی اسلام‌گرای طرف دار جمهوری اسلامی در منطقه اهداف حزب الله و جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دادند.

حزب الله با قبول آتش بس و با تحمل ضربات سنگین نظامی و انسانی عملاً در موقعیت بسیار ضعیفی قرار گرفته، با سقوط بشار اسد و پاک سازی پایگاه‌های لجستیکی و نیروهای نظامی (بیش از ۷ هزار نفر) جمهوری اسلامی در سوریه و لبنان، شکست‌های پیاپی جمهوری اسلامی شروع شده است.

انتخاب «جوزف عون» یکی دیگر از شکست‌های راهبردی و مهم حزب الله و جمهوری اسلامی را رقم زد.

آنچه در شرایط کنونی در لبنان پس از سقوط بشار اسد و شکست حزب الله اهمیت دارد، تلاش برای برون رفت از بحران‌های سیاسی از

زنده باد

انقلاب

زن، زندگی، آزادی

ترامپ و جمهوری اسلامی، روندها و احتمالات!



محمد شکوهی

سخت ۲۰۲۴ را پشت سر گذاشت که رخدادهای آن تهران را در خاورمیانه «فوق‌العاده ضعیف» کرده است و اکنون در آستانه آغاز به کار دولت دوم دونالد ترامپ در سال ۲۰۲۵، سال سخت‌تری نیز برای تهران آغاز شده است.

"هاسپیچارد هاس" رئیس پیشین شورای روابط خارجی آمریکا در «مجله فارن افرز» نوشت: استفاده از زور در کنار دیپلماسی و مخالفت با حمله نظامی پیش از مذاکرات! برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی برای آمریکا بیشترین اولویت را دارد و به همین دلیل هم باید در صدر موضوعات بررسی شود چرا که ایران هسته‌ای، هم می‌تواند متحدان آمریکا در منطقه را تهدید کند و هم باعث شود یک مسابقه تسلیحاتی در منطقه شکل بگیرد و عربستان سعودی و ترکیه هم در ادامه به این سمت حرکت کنند؛ اتفاقی که به باور رئیس پیشین شورای روابط خارجی آمریکا ثبات منطقه‌ای را تهدید خواهد کرد.

وبسایت حکومتی انتخاب به نقل از «فارن پالیسی» نوشت: علی‌رغم لحن سخت‌گیرانه ترامپ وی بارها ادعا کرده است که به دنبال تغییر حکومت در ایران نیست و همچنین خواهان روابط بهتر با این کشور است. در کمپین انتخاباتی سال گذشته، او همچنین استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را «بزرگ‌ترین تهدید برای جهان» معرفی کرد. در دوران ریاست‌جمهوری، او بارها تلاش کرد تا با رهبران جمهوری اسلامی گفت‌وگو کند، از جمله تلاش برای دیدار در اگوست ۲۰۱۹ با محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه وقت رژیم در فرانسه، و در سپتامبر ۲۰۱۹ با حسن روحانی، رئیس‌جمهور وقت جمهوری اسلامی. پس از ترک سمت ریاست‌جمهوری، ترامپ علاقه خود را به تحول در روابط ایالات متحده و ایران ابراز کرده است. به‌عنوان مثال، در اگوست گذشته اظهار داشت: «من به دنبال بدرفتاری با ایران نیستم... ما دوستانه خواهیم بود، اما آنها نمی‌توانند سلاح هسته‌ای داشته باشند.»

باین‌حال، این دوستانه بودن در دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ به دلایل متعددی به ثمر نرسید. تصمیم‌گیران ایران نسبت به وضعیت فعلی آگاه هستند. در واقع مسعود پزشکیان با وعده مذاکره برای رفع تحریم‌ها روی کار آمد. اکنون، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد مقامات ایرانی قبلاً با دولت جدید ترامپ تماس‌هایی برقرار کرده‌اند، از جمله دیدار با ایلان ماسک، که روابط نزدیکی با رئیس‌جمهور منتخب دارد.

اما وضعیت جمهوری اسلامی از چه قرار است؟

در هفته‌های اخیر به‌ویژه بعد از سقوط رژیم اسد، نابودی بخش اعظم دار دسته‌های تروریست، از حزب‌الله و حماس گرفته تا افزایش حملات به حوثی‌های مورد حمایت رژیم، و خروج خفت‌بار سپاه با کمک روسیه از سوریه، در کنار تهدید خطر حملات اسرائیل به رژیم در داخل کشور، کلاً اوضاع حکومت را درهم‌ریخته است. سران باندها و چهره‌های شاخص حکومت از بیت رهبری گرفته تا دیپلمات - تروریست‌هایش، پزشکیان، مشاوران خامنه‌ای و... دوباره اندر یاب خطرناکی که نظام را با آمدن ترامپ تهدید می‌کنند، سخن گفته و رسماً و علناً اعلام کرده‌اند که با ترامپ باید مذاکره کرد.

باندهای حکومتی اعتراف می‌کنند که وضعیت نظام خراب است، از چهار طرف در محاصره هستند، محور مقاومت "اشتباهاتی" داشت، حملات موشکی ضربه‌ای به اسرائیل نزد، محور مقاومت تقریباً درهم‌شکسته، تحریم‌ها اقتصادشان را نابود کرده، مردم "همراهی" نمی‌کنند و اعتمادی به نظام ندارند، و... جمهوری اسلامی باید در

با نزدیک شدن آغاز به کار ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، در تاریخ ۲۰ ژانویه برابر با اول بهمن، بحث و گمانه‌زنی‌ها پیرامون برخورد ترامپ با جمهوری اسلامی، چه در میان دست‌اندرکاران دولت آتی ترامپ و چه در میان میان باندهای حکومتی جمهوری اسلامی، تبدیل به یک موضوع داغ و بحث‌برانگیز شده است. اظهارات اطرافیان ترامپ در باره سیاست "مهار رژیم یا حمله" در کنار تناقض‌گویی‌ها و زرمه‌های شیف‌کردن به طرف مذاکره با ترامپ از طرف باندهای حکومتی، نشان می‌دهد که با آغاز دوره ترامپ؛ دوره جدیدی در تحولات منطقه و نحوه برخورد آمریکا با جمهوری اسلامی به جریان افتاده است. دوره‌ای که در آن الزاماً همه چیز به نفع جمهوری اسلامی تمام نخواهد شد.

ترامپ با جمهوری اسلامی چه خواهد کرد؟ متقابلاً جمهوری اسلامی چه سیاستی در دوره ترامپ در پیش خواهد گرفت؟ موضوع حمله آمریکا یا اسرائیل به ایران چقدر واقعی است؟ واکنش جمهوری اسلامی چه خواهد بود؟ به طور ویژه موضوع حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران که کماکان از دوره بایدن در دستور اسرائیل قرار داشته و منتظر چراغ‌سبز آمریکا است، چه خواهد شد؟ آیا جمهوری اسلامی با وضعیت بسیار شکننده‌ای که در داخل کشور و در منطقه دارد توان و قدرت ریسک رویارویی با آمریکا و اسرائیل را دارد؟ وضعیت حکومت از چه قرار است و اوضاع منطقه چه تأثیری در اتخاذ سیاست‌های رژیم در مقابل ترامپ و برعکس ترامپ در مقابل ایران خواهد گذاشت؟

مروری به برخی از اظهارات ترامپ و دایره قدرت‌ش در برخورد با رژیم به‌ویژه موضوع هسته‌ای حکومت و کلاً سیاست این دوره ترامپ در مقابل جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که سیاست و ارزیابی ترامپ از جمهوری اسلامی در درون هیئت حاکمه جدید آمریکا در حال شکل‌گیری و تکمیل شدن است. محور عمومی این سیاست طبق اظهارات ترامپ و تیم مشاورانش که دارند دست بالا را پیدا می‌کند، از این قرار است:

ترامپ قصد تغییر رژیم را ندارد. وی چندین بار در هفته‌های اخیر نیز آن را تکرار کرده. هدف او مهار جمهوری اسلامی در این موقعیت ضعیف و شکننده بعد از سقوط اسد و حملات اسرائیل و... با اولویت موضوع بحران هسته‌ای حکومت و جلوگیری از دسترسی رژیم به سلاح هسته‌ای است. برخی نظریه‌پردازان دور و ور ترامپ معتقدند که الان فرصت مناسبی برای مهار جمهوری اسلامی در پرتو شرایط جدید فرار رسیده و ترامپ باید از این موقعیت استفاده کرده و عقب‌نشینی‌های جدی به رژیم ایران تحمیل نماید.

یکی از طرفداران این بحث «جی سولومن» است. وی در وبسایت فری‌پرس نوشت: رئیس‌جمهور بعدی آمریکا فرصتی بی‌سابقه برای فلج کردن گروه‌های موسوم به «محور مقاومت» و پایان دادن به تلاش جمهوری اسلامی برای دستیابی به بمب هسته‌ای دارد. آیا ترامپ از این فرصت استفاده خواهد کرد؟ موضوع حمله نظامی اسرائیل با حمایت آمریکا اما محدود به جمهوری اسلامی هم‌زمان با تشدید تحریم‌ها هم طرف‌دارانی دارد اما هنوز جزئی از پلتفرم عملیاتی ترامپ نشده است.

وال استریت ژورنال این هفته در این مورد نوشت: تیم ترامپ روی تحریم‌های تازه و گزینه‌های حمله علیه جمهوری اسلامی کار می‌کند! دولت ترامپ قصد دارد به ایران «فوق‌العاده ضعیف» ضربه بزند. تیم ترامپ در حال بررسی اقدامات بیشتری، از جمله حملات هوایی، با هدف جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای است. بر اساس این گزارش، ایران سال

ترامپ و جمهوری اسلامی، روندها و احتمالات!

از صفحه ۹

برای حفظ نظام، راه مذاکره با ترامپ را در پیش بگیرد. بخش‌هایی از سرداران سابق سپاه و دیپلمات‌های قدیمی رژیم، و مذاکره‌کنندگان دوره برجاس به سرکردگی ظریف و... هم توصیه کرده‌اند که برای نجات نظام و دستاوردهای هسته‌ای باید مذاکره کرد تا خطر جنگ و ناامنی را از سر نظام دور کرد.

نقزیدن‌ها، بیان ضعف و استیصال حکومت در پرتو تحولات اخیر در خاورمیانه، چشم‌انداز عبور نظام از معضلات و مشکلاتش را برای بسیاری از دارودسته‌های حکومتی تیره‌تر کرده است. راه‌حل‌هایی از این وضعیت را این باندها گشودن باب مذاکره با ترامپ می‌دانند. طرف‌داران مذاکره و توصیه به عقب‌نشینی نظام در برابر ترامپ، روزیروز در درون جمهوری اسلامی دست بالا را پیدا کرده و به بیت رهبری و خامنه‌ای توصیه می‌کنند، واقعیت‌ها را دیده و بر اساس مصالح نظام، تصمیم‌گیری کند!

اتوریت و موقعیت خامنه‌ای در میان باندهای حکومتی هر روز شکننده‌تر و ضعیف‌تر می‌شود. در یک چنین وضعیتی خامنه‌ای دوباره سیاست همیشگی‌اش، مقاومت و مخالفت با آمریکا و غرب را به‌عنوان ارکان ایدئولوژی نظام به موافقان مذاکره با آمریکا مدام گوشزد کرده و ظاهراً هشدار می‌دهد که این کار خطرناک است و برای نظام گران تمام می‌شود!

در تازه‌ترین واکنش خامنه‌ای به طرف‌داران گفتگو و مذاکره با آمریکا، وی این هفته در یک مراسم حکومتی خطاب به این جماعت گفت: «یکی از خواسته‌های استکبار و در رأس آن دولت آمریکا از همه کشورها از جمله از مسئولان جمهوری اسلامی رعایت کردن منافع و ملاحظات آنها در طراحی مسائل گوناگون است و تن دادن به این توقع بیجای آمریکا، تهدید مردم‌سالاری و جمهوریت در کشور است، مردم به مسئولان رأی داده‌اند که منافع آنها را محقق کنند نه منافع آمریکا را؛ بنابراین تصمیم‌گیران در مسائل اقتصادی مانند تورم، تولید و ارز و مسائل فرهنگی از جمله حجاب، در تصمیمات خود فقط به منافع ملت ایران و جمهوری اسلامی توجه کنند و به هیچ‌وجه منافع آمریکا و صهیونیست‌ها را ملاحظه نکنند؛ زیرا آنها از بن دندان با ملت ما و جمهوری اسلامی دشمن‌اند و آرزویشان ویرانی ایران است.»

در نگاه اول این موضع وی تکرار مکررات و ظاهراً از "موضع قدرت" نظام به نظر می‌رسد، ولی واقعیت این است که خامنه‌ای بهتر از هر کس دیگری می‌داند که وضعیت حکومت از چه قرار است و چه خطراتی نظام را تهدید می‌کند. رُست دشمنی با آمریکا و غرب، در عین تلاش به دادن امید به هسته سخت نظام، تلاشی برای زمینه‌سازی برای آغاز مذاکره و گفتگو با دولت آتی ترامپ در پرتو تحولات جدید در منطقه برای نظام است. در ماه‌های اخیر چندین با عناصر و لابی‌های رژیم با دایره مشاوران و همراهان ترامپ در منطقه دیدار داشته و بعضاً پیام‌هایی هم ردوبدل کرده‌اند.

موضع‌گیری‌های خامنه‌ای در هر دوره نشان داده که هر موقع فشارهای غرب بیشتر شده، وضعیت رژیم بدتر شده، به‌ویژه در چند سال اخیر که نظام از داخل و از طرف مردم مورد حمله و تعرض قرار گرفته و خامنه‌ای خطر سقوط نظامش را دیده، سیاست مذاکره و رویکرد معامله با آمریکا و غرب را برای نجات از این وضعیت در دستورش گذاشته است. به این تصویر باید شکست‌های یک سال اخیر رژیم در منطقه را نیز اضافه کرد. نگاهی به سخنرانی ضدآمریکایی و ضدغربی وی در برهه‌های بحرانی رژیم نشان می‌دهد که اینها زمینه‌چینی برای "نرمش‌های قهرمانانه" وی در برابر آمریکا و غرب بوده است؛ بنابراین با وضعیتی که حکومت دارد یک احتمال بسیار قوی مذاکره و عقب‌نشینی به امید گرفتن امتیاز از دولت ترامپ خواهد بود. متقابلاً ترامپ همچنین سیاست اعمال فشار حداکثری و تحریم‌ها را در دستور دارد، به این امید که رژیم را مهار و کنترل نماید.

در ماه‌های اخیر و با جنگ اسرائیل و حماس و حزب‌الله و سقوط رژیم

اسد، ادعاهای منطقه‌ای خامنه‌ای، از جمله محور مقاومت درهم‌شکسته و چیزی از آن باقی نمانده است. پس لرزه‌های این شکست‌ها و عقب‌نشینی‌ها به یک بحران هویتی جدی برای رژیم ترور در باره آینده حضور و جنگ‌افروزی‌اش در منطقه تبدیل شده است. موضوع تهدید حمله اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای حکومت کم‌کم پابرجاست و تنها بخش خیلی کوچکی از رژیم، خبر از آمادگی برای اجرای "وعده صادق ۳" را داده که حتی خامنه‌ای هم در باره نحوه و چگونگی آن اظهارنظری کرده است. در روزهای اخیر برگزاری مانورهای متعددی که گویا قرار است آمادگی نظام برای مقابله با حمله اسرائیل را به رخ بکشد، برگزار کرده‌اند که با اقبال چندانی در میان باندهای پرنفوذ دولت و حکومت هم روبرو نشده و خامنه‌ای هم تنها چیزی که گفت حفظ آمادگی در برابر تهدیدات دشمن بوده است.

واقعیت این است که توان نظامی رژیم درهم‌شکسته و ادعاهای ابرقدرت منطقه بودن دود شده و هوا رفت. تلاش برای ساخت سلاح هسته‌ای به‌عنوان برگ برنده برای گرفتن امتیازات از آمریکا و غرب هنوز در دستور رژیم است. از قضا اینجا، یعنی بحران هسته‌ای و تلاش برای حفظ دستاوردهایش در مقابل حمله احتمالی اسرائیل و آمریکا به تأسیسات اتمی‌اش، پاشنه آشیل حکومت است. دست‌اندرکاران پروژه‌های هسته‌ای حکومت به خامنه‌ای توصیه می‌کنند که برای حفظ دستاوردهای اتمی‌شان از خطراتی که تهدیدشان می‌کنند، بهتر است نظام باب گفتگوهای هسته‌ای را با غرب و اروپایی‌ها آغاز کرده و با آژانس همکاری کرده تا بدین‌وسيله این بحران را مدیریت کرده و خطراتی که از قبل این بحران، نظام را تهدید می‌کند را مهار نمایند.

جمهوری اسلامی در ضعیف‌ترین دوره‌های حیانتش است. ضربات و شکست‌هایی که فقط در یک سال گذشته در منطقه خورد و گروه‌های نیابتی‌اش تقریباً در حال نابودی هستند، در کنار بحران عمیق و اختلافات درونی حکومت، و از همه مهم‌تر خطر به میدان آمدن مردم در این وضعیت بر علیه رژیم، خامنه‌ای و کل هسته سخت نظام را با چالش‌های جدی و با خطر جدی سرنگونی روبرو کرده و ترس و وحشت برشان داشته است. گفتن راجع در طیف‌های مختلف، حتی در هسته سخت قدرت، از بیت رهبری گرفته تا نهادها و ارگان‌ها و چهره‌های شاخص نظام، اعلام ضعف و شکست و ناامیدی و ترس از آینده نامعلوم کل نظام است. چشم‌انداز تیره و تاری مقابل حکومت باز شده است. در یک چنین وضعیتی گشودن باب مذاکره با دولت ترامپ و عقب‌نشینی از برخی سیاست‌های حکومت، رسماً به‌عنوان یک آلترناتیو برای عبور دادن کل نظام از این پیچ خطرناک به خامنه‌ای توصیه می‌شود.

پروژه نجات نظام در دستور خامنه‌ای و باندهای حکومت قرار دارد. در این میان گشودن باب مذاکره با دولت آتی ترامپ قرار است به‌عنوان سپر رفع بلا و خطر از سر نظام عمل نماید. اما با توجه به مجموع شرایط به نظر نمی‌رسد هیچ درجه کرنش و عقب‌نشینی در مقابل غرب و دولت ترامپ گره‌ای از مشکلات رژیم باز کند و او را از بحران‌های همه‌جانبه‌رهای بخشد. اینجا تعیین‌کننده نه حکومت با اوضاع در هم ریخته‌اش، بلکه مردمی سرنگونی‌خواه و در صحنه نبرد در میدان هستند که کار حکومت شکننده و روبه‌فروپاشی را یکسره خواهند کرد. یک ترس واقعی خامنه‌ای و کل نظام در این اوضاع‌واحوال بحرانی که در آن گیر کرده، ترس و وحشت از مردم است. مردمی که تصمیم گرفته‌اند کار نظام را یکسره کرده و انقلاب ناتمامشان را به پیروزی برسانند.

۱۰ ژانویه ۲۰۲۵

کارگر زندانی آزاد باید گردد

اطلاعه‌های هفته اخیر

نرود"، "جنگ‌افروزی کافیه، سفره ما خالیه"، "کو مهار تورم، تا کی دروغ به مردم"، "کارگر زندانی، آزاد باید گردد"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، گاز و برق و معیشت، دزدیده شد از ملت"، و قطعنامه مشترک تجمع کنندگان قدیمی در جهت اتحاد مبارزاتی بخش‌های مختلف بازنشستگان است.

در شوش بازنشستگان از کرخه، شوش و هفت‌تپه گردآمده و سرود "زیر بارستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی" سر دادند و شعارهای اعتراضی آنها از جمله عبارت بودند از: "فقط کف خیابون، به دست میاد حقمون"، "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "کو مهار تورم، دروغ نگین به مردم"، "بیت‌المال خزانه، جولانگاه دزدانه"، "و مشکل ما این زمان، معیشت است و درمان". در این تجمع یکی از کارگران شعری اعتراضی تحت عنوان "زیر خط فقر" خواند که مورد استقبال جمع قرار گرفت.

در اهواز نیز بازنشستگان مقابل تأمین اجتماعی تجمع و راهپیمایی داشتند و شعار می‌دادند: "ایرانو غارت کردن، ما را بیچاره کردن"، "گرانی، تورم/ بلای جان مردم"، "حاصل کار دولت، غارت جیب ملت"، "دولت خیانت می‌کند، مجلس حمایت می‌کند"، "روسری را رها کن، تورم را مهار کن!"

در تجمع اهواز یکی از بازنشستگان سخنرانی داشت و با تأکید به اینکه اگر به خواست‌های آنها پاسخ داده نشود اعتراضات خود را گسترده‌تر کند و با اشاره به سفری که پزشک‌ها به خوزستان خواهد داشت گفت: "تجمع می‌کنیم نه برای استقبال بلکه برای اعتراض!"

در این روز هم‌زمان بازنشستگان فولاد در شهرهای اهواز و اصفهان تجمع داشتند. در اهواز بازنشستگان فولاد مقابل استانداری و فرمانداری تجمع بزرگی بر پا کرده و با راهپیمایی شعارهای اعتراضی‌شان را سر دادند. در اصفهان نیز شمار شرکت‌کنندگان قابل توجه بود و بازنشستگان تجمع و راهپیمایی داشتند و شعار می‌دادند: "کشور پردرآمد چه بر سر تو آمد"، و "کارگر می‌میرد/ ذلت نمی‌پذیرد".

بازنشستگان هر روز در گوشه‌وکنار کشور در حال اعتراض و تجمع‌اند و بر خواست‌های خود تأکید می‌کنند. اما حکومت دزدان حاکم جوابی به خواست‌های آنها نمی‌دهد. فشار معیشتی بر همه بازنشستگان زیاد است و صندوق‌های بازنشستگی همه‌جا مورد دستبرد دزدان حاکم قرار گرفته است. از خواست‌ها و اعتراضاتشان حمایت و پشتیبانی کنیم.

خبر اعتراضی دیگر این روز اعتصاب کارکنان اداره راه و شهرسازی جنوب فارس در شهرستان‌های مهر، لامرد، خنج، گراش، جویم، اوز و لارستان در اعتراض به وضع اسفناک معیشتی و خلف وعده‌ها و برای مطالبه حقوق و مزایای کاری‌شان است. در تجمع قبلی به آنها وعده پاسخگویی در اول دی‌ماه داده شده بود. و این کارگران موقتاً اعتراض خود را پایان داده بودند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ دی ۱۴۰۳، ۵ دی‌ماه ۲۰۲۵

اعتراضات کارگران میدان نفتی ایران افق، جهاد کشاورزی و اخباری دیگر

اعتراضات بر سر معیشت گسترده است و بخش‌های مختلف جامعه را دربرگرفته است. امروز پانزدهم دی‌ماه کارگران شاغل در شرکت ایران افق در میدان نفتی یادآوران در خرمشهر برای دوازدهمین روز متوالی دست به اعتصاب و تجمع زدند و با نشستن بر سر سفره خالی اعتراض خود را به وضع بد معیشتی اعلام داشتند.

در این روز همچنین کارکنان سازمان جهاد کشاورزی در زنجان، یاسوج، اراک، شهرکرد و کهگیلویه در اعتراض به پایین‌بودن دریافتی و مشکلات معیشتی در برابر ساختمان آن در این استان تجمع کردند. قبلاً نیز در یازدهم دی‌ماه کارکنان این سازمان در استان ایلام با پهن کردن سفره خالی در مقابل ساختمان ستاد مرکزی سازمان جهاد کشاورزی این استان با سردادن شعار "زندگی شایسته حق مسلم ماست" اعتراض خود را به وضعیت فلاکت‌بار معیشتی و پایین‌بودن حقوق‌ها و دستمزدها اعلام کردند.

در اراک مسکن ملی نیز در اعتراض به افزایش مجدد قیمت تمام شده واحدهای خود و اختلاسگری‌ها مقابل استانداری مرکزی شهر اراک تجمع کردند.

در حرکت اعتراضی دیگری کارگران شهرداری طبس به‌خاطر تعویق پرداخت ۳ ماه حقوق و ۲ ماه اضافه‌کاری شدن و مشکلات معیشتی‌شان تجمع کردند.

آخرین خبر اینکه در این روز معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ در کرمان در اعتراض به عدم پرداخت ۶۰ درصد پاداش پایان خدمت و وضع بد معیشتی خود تجمع داشتند. تجمع کنندگان با شعار "با اهل قلم هر که در افتاد ورافتاد عدالت! کجایی؟" اعتراض خود را به خلف وعده‌ها و بدتر شدن هر روزه وضع معیشتی خود اعلام داشتند. این بازنشستگان در این روزها اعتراضات گسترده‌ای داشته‌اند و از جمله در این مدت در شهرهای شیراز، گرگان، ایلام، رشت، ارومیه، سمنان، کرمانشاه، بیرجند، زنجان، همدان و سنندج تجمعات بر پا کرده‌اند. زیر فشار این اعتراضات در این هفته وعده پرداخت ۶۰ درصد پاداش آنها داده شد. اما معلمان بازنشسته اعلام کرده‌اند که تا زمانی که همه معوقات پرداخت نشود به اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ دی ۱۴۰۳، ۲۴ ژانویه ۲۰۲۵

تجمع بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد و اداره راه جنوب فارس در چندین شهر

امروز شانزدهم دی‌ماه یک روز پر تحرک اعتراضی کارگری بود. در این روز بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد همانند هر یکشنبه تجمع کرده و پیگیر مطالباتشان شدند. بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای کرمانشاه، شوش، رشت و اهواز تجمع داشتند.

در کرمانشاه بخش‌های مختلف بازنشستگان از جمله کشوری، تأمین اجتماعی و مخابرات در کنار هم مقابل اداره کار تجمع داشتند و حضور زنان چشمگیر بود. فراخوان از سوی مطالبه‌گران تأمین اجتماعی کرمانشاه، انجمن صنفی فرهنگیان شاغل و بازنشسته کرمانشاه، انجمن صنفی فرهنگیان شهرستان اسلام‌آباد غرب، انجمن صنفی فرهنگیان شهرستان هرسین و مطالبه‌گران بهداشت و درمان و مخابرات داده شده بود. تجمع کنندگان شعار می‌دادند: "تن برود، جان برود، آزادی از بین

زندانی سیاسی
آزاد باید گردد!

دور جدید اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه

شش روز از دور جدید اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به مزایده مجدد این شرکت و عدم قطعیت واگذاری آن به شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی و وضع بلا تکلیف شرکت می گذرد. در این رابطه امروز شانزدهم دی ماه گروهی از این کارگران به اهواز رفته و دست به تجمع اعتراضی زدند.

در این روز کارگران از میدان نزدیک هلال احمر تا استانداری با فریاد شعارهای اعتراضی خود راهپیمایی کردند. کارگران شعار می دادند: "کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد"، "کارگر هفت تپه اتحاد، اتحاد"، "ایرانی داد بزن، حق تو فریاد بزن".

دو روز قبل نیز بیش از سه هزار نفر از این کارگران از محوطه کارخانه و از بخش های آبیاری، کشاورزی و اداری در محوطه شرکت تجمع داشتند و تا بازار هفت تپه دست به راهپیمایی زدند.

نیشکر هفت تپه یک سنگر مهم مبارزه است. طی سالها اعتراض و مبارزه این کارگران با مبارزات درخشان خود توانستند دست بخش خصوصی و باند چپاولگر اسدی بیگی را که یک سرش به باندهای مختلف حکومتی وصل بود از این شرکت کوتاه کنند. مبارزه ای که پیروزی آنرا جشن گرفتند و دستاورد مهمی برای کل جنبش کارگری بود. اعتراض امروز این کارگران به تلاش های پشت پرده برای به مزایده مجدد گذاشتن این شرکت و بازکردن دوباره دست بخش خصوصی در این شرکت است. سیاستی که به معنای یک تعرض به این کارگران و به خطر انداختن امنیت شغلی چندین هزار کارگر نیشکر هفت تپه است.

اعتراض جاری کارگران هفت تپه برای رسمیت بخشیدن واگذاری نیشکر هفت تپه به شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی خوزستان است. اعتراض آنها به وخیم تر شدن هر روزه وضع معیشتی در برابر گرانی های روزافزون و به خطر افتادن وضعیت امنیت شغلی شان است. در این اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه طی بیانیه ای مطالبات خود را مطرح کرده اند و اولین تأکیدشان بر امنیت شغلی و روشن شدن وضع شرکت است. بازگشت به کار اسماعیل بخشی. که نقش مهمی در پیشروی های مبارزاتی کارگران نیشکر هفت تپه داشته است، همچنان مطالبه کارگران این شرکت است و نباید آنرا فراموش کرد. با تمام قدرت باید در این اعتراضات شرکت کرد و از آن حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری از مبارزات بر حق کارگران نیشکر هفت تپه قاطعانه حمایت می کند و همه کارگران هفت تپه را به پیوستن به این اعتراضات فرامی خواند. کارگران نیشکر هفت تپه تجربه درخشانی از اتحاد و همبستگی دارند. با قدرت این اتحاد و اتکا به مجمع عمومی است که می توان جلوی تحرکات راست و هر گونه زدوبند پشت پرده را گرفت و با صفت متحد و قدرتمند اعتراضات را به جلو برد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ دی ۱۴۰۳، ۵ ژانویه ۲۰۲۵

۱۶ دی: تجمع اعتراضی کارگران ارکان ثالث نفت در مناطق نفت خیز جنوب در اهواز

امروز شانزدهم دی ماه کارگران ارکان ثالث در مناطق نفت خیز جنوب در اهواز برای پیگیری مطالبات خود مقابل ساختمان مرکزی نفت تجمع کردند. در این تجمع کارگران با بنرهایی که بر روی آنها مطالباتشان نوشته شده بود خواست های خود را اعلام داشتند. مطالبات کارگران ارکان ثالث سراسری است و اهم آنها عبارتند از:

حذف کامل شرکت های پیمانکاری، حق تشکل، تجمع و اعتراض، پایان بخشیدن به فضای ارباب و سرکوب و بازگشت به کار هرچه سریع تر یاسر احمدی نژاد کارگر معترض در ملی حفاری، اجرای صحیح طرح طبقه بندی مشاغل و نظام همسان دستمزد با نیروهای رسمی، ساماندهی

وضعیت رانندگان، ساماندهی تردد اقماری کارگران اداری و پشتیبانی و عمل به توافقات قبلی در زمینه مرخصی استحقاقی و پرداخت حق کمپ.

بنا بر خبرها ابعاد کمبود و بحران انرژی در ایران موجب فلج اقتصادی و اختلال در تولید کشور و بی ثباتی شرایط کاری و مزدی بسیاری از کارگران شده است. در تازه ترین مورد، دبیرکل انجمن کارفرمایان صنعت پتروشیمی از قطع گاز ۱۲ مجتمع پتروشیمی خبر داده است. پیش تر نیز انجمن صنایع فولاد کشور اعلام کرده بود که محدودیت ۲۰ تا ۵۰ درصدی گاز صنایع فولادی از نیمه مهرماه آغاز شده است. قطعی برق و پایین آمدن نرخ ارز اقتصاد را به سوی فروپاشی می برد و این وضعیت بر فضای اعتراض در مراکز نفتی و در کل جامعه شدت داده است. گفتمان اعتصابات سراسری در نفت داغ است. از اعتراضات کارگران نفت حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ دی ۱۴۰۳، ۵ ژانویه ۲۰۲۵

تجمعات بازنشستگان مخابرات، معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ و اخباری دیگر

امروز هفدهم دی ماه بازنشستگان مخابرات در ادامه مبارزاتشان در شهرهای مختلفی تجمع کردند و پیگیر مطالباتشان شدند. این تجمعات در این هفته در شهرهایی از جمله اصفهان، تهران، شیراز، ارومیه، شهرکرد، ایلام، سنندج، بیجار و کرمانشاه برگزار شدند.

در تهران این بازنشستگان تجمع و راهپیمایی داشتند و با در دست داشتن بنرهایی که مطالبات و اعتراضاتشان بر آنها نوشته شده بود و فریاد شعارهایشان پیگیر خواست هایشان شدند. در این تجمعات بازنشستگان شعار می دادند "ستاد فرمان امام مخابرات را برده، حق ماها را خورده"، "وزیر بی تفاوت نمیخوایم، نمیخوایم"، "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، و "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت".

در این روز تجمعی بزرگی از معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ نیز در تهران در برابر وزارت آموزش و پرورش برگزار شد. این معلمان هشتمین بار است که جهت پیگیری مطالبات خود تجمع می کنند. معلمان بازنشسته از شهرهای مختلف به تهران آمده و در آن شرکت داشتند و حضور زنان بسیار چشمگیر بود. اعتراض این بازنشستگان به وضع بد معیشتی، تبعیض ها، اختلاس ها، و سرکوبگری هاست. اعتراض آنان به خلف وعده ها و تأخیر در پرداخت ۶ ماهه پاداش پایان خدمت و عدم اجرای دقیق رتبه بندی و همسان سازی است. در این روز حضور نیروی انتظامی پر رنگ بود و آنها بلندگوی معترضین را گرفتند و تجمع کنندگان با خشم و اعتراض فریاد می زدند "بلندگور! پس بدید، بلندگور! پس بدید".

دیگر شعارهای اعتراضی این حرکت اعتراضی عبارت بود از "فرهنگی بیدار است، از تبعیض بیزار است"، "با این همه منابع، وضع ایران خرابه"، "ایران پر درآمد چه بر سر تو آمد"، و "با اهل قلم هر که در افتاد و رافتاد، عدالت کجایی".

اعتراضات بر سر معیشت گسترده است. امروز هفدهم دی ماه صنوبرکاران، و کارگران و تولیدکنندگان در رشت نیز به خاطر مشکلات شدید معیشتی و کاری خود مقابل استانداری تجمع کردند.

روز گذشته معدن کاران آقدره مشکین شهر نیز تجمع کردند و در این حرکت اعتراضی یکی از کارگران بازداشت شد. در پی این اقدام، جمعی از مردم در اعتراض به بازداشت این فرد و برای آزادی وی مقابل کلانتری ۱۱ مشکین شهر تجمع کردند. در این روز همچنین مال باختگان شرکت ارفروش "فردادگار آمیتیس" در اعتراض به بالا کشیده شدن پول هایشان در برابر مجتمع قضائی تجمع کردند. بنا بر خبرها امیر اکبر داداشی، مدیر کلاهبردار شرکت، با همکاری نهادهای حکومتی و قوه قضائیه پول هزاران تن را برداشته و فرار کرده و اکنون هیچ نهادی به شکایت این مال باختگان رسیدگی نمی کند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ دی ۱۴۰۳، ۶ ژانویه ۲۰۲۵

اعتراضات شهربانان، ساکنان مجتمع شاهد، و غارت شدگان رضایت خودرو

امروز سه‌شنبه هجدهم دی‌ماه نیروهای شهربان در اعتراض به نازل حقوقها و کاهش میزان آن و بی‌پاسخ ماندن اعتراضاتشان مقابل شورای اسلامی شهر تهران تجمع کردند.

امروز همچنین ساکنان مجتمع شاهد غربی (مسکن مهر) بندرعباس در اعتراض به افزایش اقساط وام در مقابل استانداری هرمزگان تجمع کردند. اما با درب بسته استانداری روبرو شدند و این موضوع موجب خشم و اعتراض بیشتر آنان شد.

خبر دیگر این روز جمع کثیری از غارت‌شدگان رضایت خودرو طراوت نوین مقابل دادگستری قزوین است. تجمع کنندگان ابتدا مقابل دادگستری تجمع کردند و بعد به‌صورت راهپیمایی به سمت استانداری قزوین حرکت کردند. در آنجا با شعار "دادستان رشوه‌گیر نمی‌خواهیم، نمی‌خواهیم" صدای اعتراض خود را به چپاول و غارت سپرده‌های خود و همدستی مقامات شهر در این دزدی‌ها بلند کردند. طبق گزارشات شرکت طراوت نوین به مدیریت پاسداری به نام محمدرضا غفاری و با همدستی سپاه پاسداران صاحب‌الامر قزوین و قوه قضائیه، پس‌انداز هزاران تن از مردم را با وعده تحویل خودرو بلاکشیده و خبری از خودرو هم نیست.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ دی ۱۴۰۳، ۷ ژانویه ۲۰۲۵

تجمع اعتراضی کارگران ایران افق و کارگران رسمی نفت در لاوان

امروز هجدهم دی‌ماه اعتصاب کارگران شاغل در ایران افق در میدان نفتی یادآوران در خرمشهر برای پانزدهمین روز متوالی جریان یافت. این اعتراضات جهت پیگیری خواست‌های اعلام شده کارگران صورت می‌گیرد که اهم مطالبات آنها عبارتند از: افزایش حقوق مطابق با سایر شرکت‌های غرب کارون، شیفی کردن پرسنل بومی، تعطیلی پنجشنبه، تعیین روز مشخص در ماه جهت پرداخت کردن حقوق، پرداخت پاداش اورهال و تولید و پاداش‌های مناسبی، پرداخت کلیه معوقات قبلی (بک پی)، و انتخاب بیمه تکمیلی بر اساس میزان ارائه خدمات.

روز گذشته هفدهم دی‌ماه نیز کارگران اخراجی پتروشیمی ارغوان گستر ایلام در برابر هلدینگ خلیج فارس در تهران تجمع کردند و خواستار بازگشت خود بر سر کار شدند. در این روز همچنین کارگران رسمی شرکت فلات قاره لاوان در ادامه اعتراضاتشان و برای پیگیری مطالباتشان تجمع کردند. خواست‌های کارگران رسمی نفت سراسری است و برای آن در مراکز مختلف مرتباً تجمعات اعتراضی برپا شده است. اهم مطالبات این کارگران عبارتند از:

- ۱- حذف کسورات ناعادلانه و پرداخت کامل حقوق مزایای شغلی
- ۲- حذف سقف بازنشستگی و پرداخت کامل سنوات
- ۳- بازگرداندن مالیات‌های اخذ شده
- ۴- اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت کامل بک پی آن
- ۵- عدم ادغام صندوق بازنشستگی نفت با سایر صندوق‌های ورشکسته

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ دی ۱۴۰۳، ۷ ژانویه ۲۰۲۵

گرامیداشت یاد جان‌باختگان پرواز PS752

۱۸ دی‌ماه، ۸ ژانویه مصادف با جنایت عظیم حکومت اسلامی و

شلیک به هواپیمای پرواز PS752 است. ننگ و نفرت بر جانیان ضدانسانی حاکم و گزافی باد یاد همه جان‌باختگان این جنایت.

امروز خانواده‌های قربانیان این جنایت پنجمین سالگرد قتل عزیزانشان را در شاهد شهر، محل سرنوشتی پرواز برگزار کردند. در این مراسم ابتدا با صحبتی در مورد چگونگی به‌قتل‌رسیدن سرنشینان پرواز PS752 به یاد آنها دقیقه‌های سکوت اعلام شد. منظر ضربی یکی از اعضای خانواده‌های دادخواه از سخنرانان این مراسم بود و گفت "این جنایت یک حادثه نبود، یک جنایت سیستماتیک بود که به دست انسان‌هایی رقم خورد که باید حافظ جان مردم باشند نه تهدیدکننده آنها... باید یاد آن‌ها را زنده نگه داریم، برای حقیقت‌جنگیم، و اطمینان حاصل کنیم که دیگر هیچ مادری، هیچ پدری، هیچ خواهر و برادری، و هیچ فرزندی چنین فقدانی را تجربه نکند". در محل مراسم عکس‌های قربانیان هواپیما نصب شده بود و بر روی میزها به‌صورت نمادین وسایل باقی‌مانده از جان‌باختگان، چمدان‌ها، کتاب‌ها و عروسک‌هایی که هرگز به مقصد نرسیدند گذاشته شده بود. این مراسم در حالی برگزار شد که روز قبل از آن نیروهای امنیتی اقدام به نصب دوربین مداربسته در شاهد شهر کرده بودند.

هجدهم دی‌ماه ۱۳۹۸ بود که جمهوری اسلامی با شلیک دو موشک به هواپیمای مسافری اوکراینی ۱۷۶ مسافر و خدمه این هواپیما را عամدانه و وحشیانه به قتل رساند. این جنایت آتش دیگری بر خشم مردم و عزم آنها برای سرنوشتی جمهوری اسلامی زد. اکنون خانواده‌های دادخواه جان‌باختگان این فاجعه انسانی همراه با دیگر خانواده‌های دادخواه یک‌صد نفریاد می‌زنند "نه می‌بخشیم، نه فراموش می‌کنیم" و بر محاکمه سران این حکومت به‌خاطر تمام جنایاتش تأکید دارند. مردم وسیعاً با این خواست همراه‌اند. جنبش دادخواهی یک رکن مهم جنبش سرنوشتی جمهوری اسلامی است.

حزب کمونیست کارگری هم‌صدا با خانواده‌های عزیز جان‌باختگان پرواز PS752 یاد عزیزانی که با حمله موشکی حکومت جانشان را از دست دادند گرامی می‌دارد. سران و دست‌اندرکاران حکومت اسلامی را به جرم این جنایت عظیم و تمام جنایاتشان به محاکمه خواهیم کشید.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ دی ۱۴۰۳، ۷ ژانویه ۲۰۲۵

۱۹ دی: اعتراضات کارگران معدن، مال‌باختگان، مردم اراک، و بیماران اس.ام.ای

کارگران معدن طلای ورزقان

امروز چهارشنبه نوزدهم دی‌ماه کارگران معدن طلای مزرعه شادی ورزقان در اعتراض به شرایط سخت کاری و سطح نازل حقوقها مقابل فرمانداری تجمع کردند. یکی از این کارگران می‌گوید: "۸ سال با سختی کار کردیم و حالا که حکمان را خواستیم، اخراج شدیم". افزایش حقوقها و بازگشت به کار کارگران اخراجی خواست فوری کارگران این معدن است.

مال‌باختگان عظیم خودرو

در این روز همچنین مال‌باختگان عظیم خودرو در اعتراض به دزدی‌ها و بلاکشیدن اندوخته‌هایشان جلوی دادگستری گوبندک تجمع کردند. این مال‌باختگان در سال ۹۷ مبلغ زیادی پول بابت خرید خودرو پرداخت کرده‌اند اما تاکنون مدیران شرکت خودروهای آنان را تحویل نداده و سرنوشت پول‌های پرداخت شده آنها نامشخص است. یکی از خریداران با اشاره به پرداخت ۲۰۶ میلیون تومان با نرخ دلار ۵۰۰۰ تومان در سال ۹۷، می‌گوید: اکنون نرخ دلار به ۸۰۰۰۰ تومان رسیده و این موضوع مشکلات بسیاری را برای آنان به وجود آورده است. او با اشاره به افزایش قیمت یک خانه ۶۰ متری به ۴ میلیارد تومان می‌افزاید: مسئولان تنها پیشنهاد بازگشت ۲۰۰ میلیون تومان را می‌دهند. درحالی‌که پول پرداختی آنها برای خرید خودرو در سال ۹۷ به‌اندازه قیمت ۶ پراید بوده است و دو بیست میلیون الان معادل نصف پول یک پراید است. در بساط دزدسالار حاکم جنبش مال‌باختگان جنبشی اجتماعی است.

بیماران اس. ام. ای

خبر دیگر مربوط به روز گذشته و تجمع و راهپیمایی بیماران "اس. ام. ای" و خانواده‌هایشان در تهران در برابر وزارت بهداشت است. این تجمع در اعتراض به عدم پاسخگویی مقامات مسئول و محرومیت از بیمه و دارو است که جان‌شان را تهدید می‌کند. تجمع کنندگان معترض با فریاد "یه اختلاس کم بشه، داروی ما حل میشه!" پیگیر حق بیمه و مطالباتشان شدند.

مردم اراک

روز گذشته همچنین مردم در شهر اراک چهارمین تجمع خود را در اعتراض به مازوت‌سوزی در نیروگاه و مسمومیت هوای شهر برگزار کردند و با خشم بسیار اعتراض خود را به سیاست ضد مردمی مازوت‌سوزی ابراز کردند. آلودگی هوا و مازوت‌سوزی معضلی سراسری است و لطامات و آسیب‌های جدی‌ای به سلامتی شهروندان وارد کرده و زندگی در بسیاری از شهرها از جمله در تهران و شهرهای خوزستان و مناطق مختلف کشور را مختل کرده است. از این اعتراضات وسیعاً حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ دی ۱۴۰۳، ۸ ژانویه ۲۰۲۵

اعتصاب پرستاران و کادر درمان بیمارستان لقمان حکیم، تجمع خانواده‌های قربانیان آتش‌سوزی کمپ ترک اعتیاد لنگرود

اعتصاب پرستاران و کادر درمان بیمارستان لقمان تهران ادامه دارد. امروز ۲۰ دی‌ماه این کارکنان اعتصاب خود را در اعتراض به پرداخت نشدن هشت ماه معوقه سال ۱۴۰۲ و هفت ماه ترمیم حقوق سال جاری ادامه دادند در اعتصاب به سر می‌برند. اعتراضات در میان پرستاران گسترده است. در روز یازدهم دی‌ماه نیز پرستاران بیمارستان گاندی تهران در اعتراض به عدم دریافت سه ماه حقوق و شرایط شغلی معیشتی دست به اعتراض زده بودند.

روز گذشته نوزدهم دی‌ماه خانواده‌های قربانیان آتش‌سوزی کمپ ترک اعتیاد لنگرود (کمپ رهایی)، که در ۱۲ آبان ۱۴۰۲ جان ۳۶ نفر را گرفت، با برگزاری تجمع اعتراضی خواستار رسیدگی به این حادثه شدند. در این تجمع خانواده‌ها با حمل پلاکاردهایی که روی آنها نوشته شده بود: "ما به‌خاطر نبود نظارت بر کمپ‌ها همسر و فرزند از دست دادیم اما دو سال است مسئولان صدای ما و جان‌باختن ما و عزیزان ما را نادیده گرفته‌اند"، اعتراض خود را نسبت به عدم پاسخگویی مسئولان در خصوص این فاجعه اعلام کردند.

جمهوری اسلامی قاتل عزیزان مردم است که در این کمپ به نحو فجیعی جان خود را از دست دادند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ دی ۱۴۰۳، ۹ ژانویه ۲۰۲۵

علیه حکم اعدام پخشان عزیزی در همه‌جا اعتراض کنیم!

حکم اعدام زندانی سیاسی، پخشان عزیزی در دیوان عالی جمهوری اسلامی تأیید شده است. این حکم باید با اعتراض همه روبرو شود تا از وی رفع اتهام شود و حکمش، همانطور که در مورد توماج صالحی شاهد بودیم، لغو شود و این زن مبارز از زندان آزاد گردد. جرم پخشان عزیزی، که ۱۳ مرداد ۱۴۰۲ دستگیر شد، این است که در اردوگاه‌های آوارگان جنگ داعش در شمال سوریه امدادگر قربانیان این گروه تروریستی بوده است. یک فعالیت انسانی مسالمت‌آمیز که شایسته قدردانی است و نه صدور حکم اعدام برای وی.

امیر رئیسیان وکیل او ضمن انتشار این خبر در شبکه ایکس نوشته است: "پخشان عزیزی نه در گروه‌های نظامی عضو بوده و نه فعالیت نظامی داشته، این حکم در تعارض با دادرسی منصفانه است و بی‌توجه به ایرادات پرونده صادر شده و امروز به ما ابلاغ شد." او گفت که حتماً تقاضای اعاده دادرسی خواهد کرد.

جمهوری اسلامی که در سال گذشته میلادی بیش از ۹۰۰ تن و دستکم ۱۳۳ زن را اعدام کرده است قصد دارد برای نجات خود از باتلاق سقوط به اعدام‌های بیشتری دست بزند. تلاشی مذبحخانه که با حضور همه‌جانبه ما در صحنه و با اعتراض به صدور و اجرای هر حکم اعدامی باید ناکام بماند.

کمیته بین‌المللی علیه اعدام همگان را به اعتراضی وسیع و گسترده نسبت به حکم اعدام پخشان عزیزی و مجاهد کورکور و سایر محکومین به اعدام دعوت می‌کند. در شرایط امروز که خشم و اعتراض عمومی علیه گرانی کمرشکن و حقوق‌های ناچیز و فقر و نداری بلند است و جمهوری اسلامی، چه به دلیل ورشکستگی کامل اقتصادی و چه به‌خاطر شکست‌های بی‌درپی در منطقه، در ضعیف‌ترین موقعیت خود قرار دارد، نباید اجازه داد که این رژیم وحشی با سلاح مرگبار اعدام از مردم زهرچشم بگیرد.

اقتدار پوشالین جمهوری اسلامی درهم شکسته است و حق خواهی مردم ایران در اوج است. زمان تعرض ما مردم است. جمهوری اسلامی را باید به همان سرنوشتی دچار کرد که همپالگی‌اش بشار اسد بدان دچار شد. مردم، علیه رژیم اعدام بیا خیزید و صدای همه زندانیان سیاسی و معترضینی شوید که زیر تیغ اعدام قرار دارند! اعدام قتل عمد توسط دولت است. ماشین آدمکشی. جمهوری اسلامی را باید بر سر خودش خراب کرد. ما می‌گوییم اعدام موقوف، حالا به هر دلیل و عنوانی که باشد!

کمیته بین‌المللی علیه اعدام

۱۹ دی ۱۴۰۳ - ۸ ژانویه ۲۰۲۵



مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع

مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه

بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است.

همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

(یک دنیای بهتر)

از خوزستان چه خبر؟

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۲۱-۱۴ دی ۱۴۰۳

جمعه ۲۱ دی

- در ادامه اخبارهای داده شده در مورد آلاینده‌گی هوا در استان‌های مختلف، هوای ۹ شهر استان خوزستان از جمله در شهرهای اهواز، مسجدسلیمان، خرمشهر، سوسنگرد، امیدیه، هویزه، بندر ماهشهر، شوشتر و آبادان برای همه گروه‌های سنی در وضعیت قرمز و ناسالم اعلام شد. سیاست‌های مخرب و چپاولگرانه و ضد محیط زیستی جمهوری اسلامی و استفاده از مواد سمی ای مثل مازوت برای سوخت، کار، زندگی و جان مردم را به خطر انداخته است. اعتراض سراسری پاسخ این سیاست جنایت‌کارانه جمهوری اسلامی است.

پنجشنبه ۲۰ دی

- ۹ ماه از بازداشت امان جلالی نژاد، معلم هنر، در بند ۵ امنیتی زندان مرکزی اهواز می‌گذرد. به گفته فرزانه زیلابی، وکیل او باوجود پایان تحقیقات و صدور کیفرخواست، پرونده وی همچنان در بلا تکلیفی مطلق باقی مانده است. ارجاع پرونده به شعبه ۴ دادگاه انقلاب اهواز به دلیل عدم حضور قاضی متوقف شده است. اتهامات وارده به جلالی نژاد فاقد مستندات معتبر است، اما بازداشت موقت او همچنان ادامه دارد. در نتیجه زندگی شخصی و حرفه‌ای امان جلالی نژاد و خانواده‌اش دچار مشکل جدی شده است. امان جلالی نژاد و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شود.

چهارشنبه ۱۹ دی

- آلودگی هوا در اهواز همچنان گسترده و در سطح خطرناک قرار دارد و در این روز از سوی هواشناسی "ناسالم برای گروه‌های حساس" و "نارنجی" اعلام شد.

محمد سبزه زاری مدیرکل هواشناسی خوزستان از پیش‌بینی وقوع مه و افزایش آلاینده‌ها در استان برای روزهای آتی خبر داد. از جمله اهواز در وضعیت زرد قرار خواهد داشت. به این معنا که در سفرها و انجام کارهای روزمره اختلالاتی ایجاد خواهد شد. آلودگی هوا زندگی و کار در بسیاری از شهرها را مختل کرده است.

- جاسم مقدم، زندانی سیاسی با گذشت نزدیک به سه ماه از پایان محکومیت قبلی‌اش به دلیل تشکیل پرونده جدیدی در زندان شیبان اهواز در وضعیت بلا تکلیف به سر می‌برد. وی در پرونده جدید به محاربه متهم شده است.

- بنا بر خبرها، در هفته جاری بیش از صد نفر از فعالان عرب در شهرهای فلاحیه (شادگان)، خلفیه (رامشیر)، اهواز و خفاجیه احضار یا بازداشت شده‌اند و موجی از دستگیری به‌ویژه در شهر اهواز به راه افتاده است. از جمله بامداد نوزدهم دی‌ماه، نیروهای امنیتی چند نفر را به اسامی رضا حیدری، جواد حیدری، علی سواری، فؤاد موسوی، جواد عفری، یاسین سیلاوی، علی کروشات و محمد ناصری را در مناطق مختلف اهواز بازداشت کردند. در همین روز خالد عموری، علی عموری و محمد عموری در شهر رامشیر توسط مأموران اداره اطلاعات رامهرمز بازداشت و به بازداشتگاه این اداره منتقل شدند. احلام عبیات (بندر)، نیز در هجدهم دی‌ماه دستگیر شد.

همچنین در شامگاه دوشنبه ۱۷ دی، پنج نفر اهل سنت از جمله یونس غریاوی و رضا زهیری و نیز سعید اسماعیل مزرعه در اهواز و میلاد بحری در شادگان بازداشت شدند. در روز ۱۶ دی نیز، هاشم موسوی (هرموسی)، ۵۶ ساله و ساکن منطقه شیبان اهواز، و ایوب غیبی پور دستگیر شدند.

بعلاوه طی روزهای اخیر، افرادی دیگر از جمله صادق منصوری، منصور جاسمی، احمد جلالی، حسین سعیدی، سعید فلاحی، احمد خالدی، ایوب طرفی، یوسف ساعدی، محمد عباشی و علی سواری (فرزند جبار) بازداشت شده‌اند. طبق گزارش هرانا اسامی ۲۸ نفر از بازداشت‌شدگان عبارت‌اند از:

سعید اسماعیل مزرعه، احلام عبیات (بندر)، ایوب غیبی پور، رضا حیدری، جواد حیدری، علی سواری، فؤاد موسوی، جواد عفری، یاسین سیلاوی، علی کروشات، محمد ناصری، یونس غریاوی و رضا زهیری و هاشم موسوی در اهواز، خالد عموری، علی عموری، و محمد عموری در رامشیر، میلاد بحری در شادگان و نیز صادق منصوری، منصور جاسمی، احمد جلالی، حسین سعیدی، سعید فلاحی، احمد خالدی، ایوب طرفی، یوسف ساعدی، محمد عباشی و علی سواری (فرزند جبار)،

این دستگیری‌ها همراه با ضبط وسایل شخصی بازداشت‌شدگان نظیر تلفن‌های همراه و رایانه‌ها انجام شده است. گزارش‌های محلی حاکی از نگرانی خانواده‌های این افراد از وضعیت و محل نگهداری آن‌ها است. به گفته بعضی از افرادی که احضار شده‌اند، آنها مورد تهدید قرار گرفته‌اند که در تظاهرات یا تجمعات شرکت نکنند.

سه‌شنبه ۱۸ دی

- اعتصاب کارگران شاغل در ایران افق، در میدان نفتی یادآوران در خرمشهر برای پانزدهمین روز متوالی جریان یافت. اهم مطالبات آنها عبارت‌اند از: افزایش حقوق مطابق با سایر شرکت‌های غرب کارون، شیفتی کردن پرسنل بومی، تعطیلی پنجشنبه، تعیین روز مشخص در ماه جهت پرداخت کردن حقوق، پرداخت پاداش اورهال و تولید و پاداش‌های مناسبتی، پرداخت کلیه معوقات قبلی (بک پی)، و انتخاب بیمه تکمیلی بر اساس میزان ارائه خدمات.

- با شکایت اطلاعات سپاه خوزستان، دادسرای عمومی و انقلاب جمهوری اسلامی در اهواز چهار نفر از معلمان معترض به اسامی کوکب بداعی پگاه، پیروز نامی، علی کروشات و سیامک صادق چهارزی با اتهام "فعالیت تبلیغی علیه نظام" به یک سال و "اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور" به پنج سال حبس متهم شدند. این فعالین در ۱۶ آبان ۱۴۰۳ در پرونده مشترکی احضار و دادگاهی شده بودند. طی دو سال گذشته و پس از انقلاب زن زندگی آزادی فشارها بر فعالان صنفی معلمان، شدت بیشتری گرفت. بعد از اخراج تعداد زیادی از معلمان معترض در تمام نقاط کشور، امروز شاهد صدور احکام سنگین، علیه معلمان هستیم. یک کارزار مهم معلمان و کارگران مسدود شدن پرونده‌های امنیتی، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات با خواست مشخص پرونده‌های امنیتی و آزادی معلمان، کارگران و تمامی زندانیان سیاسی است. وسیعاً به این کارزار بپیوندیم.

- احلام بندر، فعال فرهنگی و مدنی عرب، سه‌شنبه ۱۸ دی توسط نیروهای امنیتی در اهواز بازداشت و سایت و صفحه اینستاگرام وی نیز از سوی نیروهای امنیتی مسدود شده‌اند.

احلام بندر اداره‌کننده یک کتاب‌فروشی در منطقه لشکرآباد در اهواز بود که در آن کتاب‌های عربی به فروش می‌رسید. این بازداشت در حالی صورت گرفته است که موج بازداشت فعالین فرهنگی و مدنی در اهواز به طور چشمگیری افزایش یافته و موجب نگرانی‌های گسترده‌ای شده است.

دوشنبه ۱۷ دی

- بازنشستگان مخابرات در ادامه مبارزاتشان در شهرهای مختلفی تجمع کرده‌اند. بازنشستگان مخابرات در اهواز نیز در این روز تجمع داشتند و

دادگاه انقلاب اهواز با توسل به اتهام «مجاربه از طریق احراق عمدی و تخریب اموال عمومی» به ۱۱ سال زندان در تبعید محکوم شده است.

شنبه ۱۵ دی

- کارگران شرکت نفتی ایران افق روز ۸ دی برای سومین روز متوالی در اعتراض به مشکلات معیشتی و برای پیگیری مطالبات خود دست به اعتصاب زدند. اهم مطالبات این کارگران عبارت‌اند از: افزایش حقوق مطابق با سایر شرکت‌های غرب کارون، شیفی کردن پرسنل بومی یا تعطیلی پنجشنبه، تعیین روز مشخص در ماه جهت پرداخت کردن حقوق، پرداخت پاداش اورهال و تولید و پاداش‌های مناسبتی، پرداخت کلیه معوقات قبلی (بک پی)، و انتخاب بیمه تکمیلی بر اساس میزان ارائه خدمات.

جمعه ۱۴ دی

- یک زندانی بنام علی مرادی که پیش‌تر از بابت اتهام قتل به اعدام محکوم شده بود، روز چهارشنبه ۱۲ دی ۱۴۰۳، در زندان سپیدار اهواز اعدام شد. اعدام جنایت و قتل عمد دولتی و ابزار دست حکومت برای سرکوب جامعه است. نه به اعدام.

- کارکنان مرکز بهداشت شرق اهواز در اعتراض به پایین بودن دریافتی و دیگر مطالباتی که با عدم دریافت آنها زندگی آنها در سختی می‌گذرد دست به تجمع زدند.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۲۱ دی ۱۴۰۳، ۱۰ ژانویه ۲۰۲۵

پیگیر مطالباتشان شدند. یک موضوع اعتراض بازنشستگان مخابرات اختلاسگری‌های ستاد اجرایی و تعاون سپاه (مالکان شرکت مخابرات) است.

-- سعید اسماعیل مزرعه، نویسنده و پژوهشگر ساکن اهواز، توسط مأموران اداره اطلاعات در منزل شخصی خود بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. مأموران ضمن تفتیش منزل، برخی از لوازم دیجیتال آقای مزرعه را ضبط کردند.

یکشنبه ۱۶ دی

- بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد، مطابق یکشنبه‌های هر هفته جهت پیگیری مطالبات خود در چندین شهر تجمعات اعتراضی برپا کردند. در این روز بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای شوش و اهواز نیز تجمع کردند و با فریاد شعارهایشان صدای اعتراضشان را بلند کردند.

- کارگران متقاضی مسکن ملی اهواز مقابل استانداری خوزستان، در اعتراض به افزایش قیمت خانه‌هایی که قرار بوده به آنها واگذار شود و عدم ثبت قرارداد خرید تجمع کردند. بنا بر خبرها بخش بزرگی از ثبت‌نام‌کنندگان در طرح نهضت ملی مسکن اهواز فاقد قرارداد خرید ملک هستند. آنان خواهان عقد قرارداد، زمان‌بندی پرداخت متناسب با پیشرفت پروژه‌ها، تعیین زمان تحویل و تعیین قیمت تمام شده هستند.

- ایوب غیبی‌پور، زندانی سیاسی سابق و از محکومان انقلاب زن زندگی آزادی در اید، دو روز پیش با حمله مأموران امنیتی، بازداشت شده است. در این روز مأموران اطلاعات سپاه خوزستان با حمله به یک باشگاه ورزشی که محل تمرین ایوب غیبی‌پور بود، او را بازداشت کردند. ایوب غیبی‌پور، پیش‌تر به دلیل مشارکت در اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ توسط



اخبار خوزستان

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

milad_rabei@gmail.com



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3
Bankkontonummer: 9960264 1223793
IBAN: SE1095000099602641223793
BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli
Bankverbindung: Postbank
IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23
BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

انگلیس:

Bank: NatWest
Account holder: WPI
Account number: 45477981
Sort code: 60-24-23
IBAN: GB77NWBK60242345477981
BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

کیوان جاوید: ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

KANAL JADID
کانال جدید